



Audit Fees: The Role of Regulation of Audit Services Fees

Mehdi Yari 

Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. E-mail: mehdi_yari2002@yahoo.com

Fakhroddin MohammadRezaei 

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Finance, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: f.mrezaei@khu.ac.ir

Reza Gholami Jamkarani

Assistant Prof., Department of Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. E-mail: gholami@qom-iau.ac.ir

Omid Faraji 

Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran. E-mail: omid_faraji@ut.ac.ir

Abstract

Objective: Low audit fees and low balling are among the most important concerns of audit firms and authority bodies, since low audit fees can result in low audit effort, low audit quality and finally low financial reporting. Consequently, the Iranian Association of Certified Public Accountants (IACPA), for the first time in 2015, enforced the Regulation of Audit Services Fees (RASf) (audit pricing based on budget of each project and by taking in to account the overhead costs of the audit firm) for its members. In the absence of sufficient theoretical and empirical evidence on the consequences of the regulation, the purpose of this study is to investigate the role of RASf on audit fees.

Methods: To test the research hypothesis, we employ both first difference and fee level regression models. In addition, data (1046 firm-year observations) were manually collected from the annual financial reports of firms listed on the Tehran Stock Exchange as well as the OTC of Iran from 2012 to 2018.

Results: The results of estimating the first difference model show that there is no significant relationship between audit fees and the regulation of audit fees. Such a finding is also supported by the audit fee level model. In addition, sensitivity tests reveal that

there is no significant association between RASF and abnormal audit fees employing both first difference and fee level regression models.

Conclusion: Despite the prediction of the IACPA, RASF, as a driver to increase the bargaining power of auditors in audit fee negotiations, does not led to an increase in audit fees. This finding implies that *de jure* compliance with the regulation occurred instead of *de facto* compliance, since it seems that the cost of *de facto* compliance with this regulation (losing a customer) is more than its benefits (increasing audit fees). This research, based on the bargaining power view, for the first time, provides empirical evidence about the outcomes of RASF. It is expected that this study has significant implications for policymakers in Iran and other countries. That is, contrary to the expectation of the IACPA, findings of this study suggest that, in an audit market where supply of and demand for quality audit services are weak and competition among auditors is high, increasing the bargaining power of auditors by simply enforcing a regulation is less likely to be possible. Hence, the emergence of positive consequences of RASF is more likely to need more comprehensive changes.

Keywords: Audit fees, Bargaining power of auditors, Regulation of audit services fees

Citation: Yari, Mehdi, MohammadRezaei, Fakhroddin, Gholami Jamkarani, Reza and Faraji, Omid (2022). Audit Fees: The Role of Regulation of Audit Services Fees. *Accounting and Auditing Review*, 29(1), 146-172. doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2021.317058.1008498> (*in Persian*)

Accounting and Auditing Review, 2022, Vol. 29, No.1, pp. 146-172
Published by University of Tehran, Faculty of Management
doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2021.317058.1008498>
Article Type: Research Paper
© Authors

Received: January 18, 2021
Received in revised form: August 10, 2021
Accepted: December 26, 2021
Published online: March 26, 2022





حق الزحمه حسابرسی: نقش آیین‌نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی

مه‌دی یاری

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: mehdi_yari2002@yahoo.com

فخرالدین محمدرضائی

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: f.mrezaei@khu.ac.ir

رضا غلامی جمکرانی

استادیار، گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: gholami@qom-iau.ac.ir

امید فرجی

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. رایانامه: omid_faraji@ut.ac.ir

چکیده

هدف: به‌دنبال نگرانی‌های مربوط به نرخ‌شکنی در بازار حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۹۴ آیین‌نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی (تعیین حق الزحمه بر اساس بودجه‌بندی هر کار به‌اضافه سربار مؤسسه) را برای مؤسسه‌های عضو الزامی کرد. در نبود شواهد نظری و تجربی کافی در خصوص پیامدهای آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش این آیین‌نامه بر حق الزحمه حسابرسی است.

روش: به‌منظور نیل به این هدف، ۱۰۴۶ سال - شرکت مشاهده جمع‌آوری شده از گزارش‌های مالی سالیانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین فرابورس ایران، طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ از طریق مدل‌های تفاضلی نوع اول و سطح حق الزحمه حسابرسی، آزمون شده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از برآورد مدل تفاضلی نوع اول نشان می‌دهد که بین حق الزحمه حسابرسی و آیین‌نامه تعیین حق الزحمه، رابطه معناداری وجود ندارد. چنین یافته‌ای با مدل سطح حق الزحمه حسابرسی نیز پشتیبانی شده است.

نتیجه‌گیری: با وجود پیش‌بینی جامعه حسابداران رسمی ایران، آیین‌نامه تعیین حق الزحمه حسابرسی به‌عنوان محرکی برای افزایش قدرت چانه‌زنی حسابداران در مذاکرات تعیین حق الزحمه، به افزایش سطح حق الزحمه حسابرسی منجر نشده است. چنین یافته‌ای بیانگر رعایت شکلی آیین‌نامه به‌جای رعایت واقعی آن است؛ زیرا به نظر می‌رسد هزینه رعایت واقعی این آیین‌نامه (از دست‌دادن مشتری)، بیش از منافع آن (افزایش سطح حق الزحمه حسابرسی) باشد.

کلیدواژه‌ها: آیین‌نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی، قدرت چانه‌زنی حسابداران

استناد: یاری، مه‌دی، محمدرضائی، فخرالدین، غلامی جمکرانی، رضا و فرجی، امید (۱۴۰۱). حق الزحمه حسابرسی: نقش آیین‌نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹(۱)، ۱۴۶-۱۷۲.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹	بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۱، دوره ۲۹، شماره ۱، صص. ۱۴۶-۱۷۲
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹	ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵	نوع مقاله: علمی پژوهشی
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶	© نویسندگان

doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2021.317058.1008498>

مقدمه

حسابرسی توسط حسابرسان حرفه‌ای مستقل، می‌تواند نقش عمده‌ای در بهبود کیفیت اطلاعات مالی ایفا کند (بالسام، کریشنن و یانگ^۱، ۲۰۰۳). اما حسابرسان زمانی می‌توانند این نقش را به‌خوبی اجرا کنند که خدمات حسابرسی ارائه شده توسط آنها باکیفیت باشد (فرنسیس^۲، ۲۰۰۴). مطابق دی آنجلو^۳ (۱۹۸۱) حسابرسان برای این که بتوانند خدمات باکیفیت ارائه بدهند باید اول بتوانند تحریفات بااهمیت در صورت‌های مالی صاحب‌کار را کشف کنند (صلاحیت و تلاش حسابرسی داشته باشند) و تحریفات کشف شده بااهمیت را بتوانند گزارش کنند (استقلال داشته باشند). علی‌رغم اینکه عوامل متعددی بر کیفیت حسابرسی اثرگذارند (دی فاند و ژنگ^۴، ۲۰۱۴)، مطابق تعریف دی آنجلو (۱۹۸۱)، حسابرسان برای ارائه خدمات باکیفیت باید حق‌الزحمه مناسبی دریافت کنند تا بتوانند بودجه کافی (تلاش حسابرسی مناسب) برای کار حسابرسی اختصاص دهند (بریستاکر و رایت^۵، ۲۰۰۱؛ فرنسیس، ۲۰۰۴).

حق‌الزحمه حسابرسی و نحوه تعیین آن با توجه به نقشی که بر کیفیت حسابرسی دارد، یکی از مهم‌ترین مباحث محافل حرفه‌ای و قانون‌گذاران است. سیمونیک^۶ (۱۹۸۰) حق‌الزحمه حسابرسی را متشکل از هزینه‌های حسابرسی (بهای منابع به‌کار گرفته شده توسط حسابرس و هزینه‌های مورد انتظار ناشی از زیان‌های دعاوی حقوقی و قضائی علیه حسابرس) و سود می‌داند. در این راستا، فراتحلیل انجام شده توسط هی، نکل و ونگ^۷ (۲۰۰۶) عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی را در دو گروه اصلی طبقه‌بندی کرده است: ۱. عوامل مربوط به عرضه‌کنندگان خدمات حسابرسی مانند تخصص حسابرس در صنعت و اندازه مؤسسه حسابرسی و ۲. عوامل مربوط به متقاضیان خدمات حسابرسی مانند اندازه و ریسک شرکت صاحب‌کار. به بیان دیگر، مطابق این دسته‌بندی، محرک‌های عرضه و تقاضای خدمات حسابرسی، نقش مستقیمی در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی دارند. به‌طور مثال، صاحب‌کارانی که تضاد نمایندگی بالایی دارند، حسابرسان با خدمات باکیفیت و با حق‌الزحمه بالا را انتخاب می‌کنند (دی فاند و ژنگ، ۲۰۱۴). همچنین حسابرسان باکیفیت بالا (مانند حسابرسان متخصص صنعت) صرف حق‌الزحمه دریافت می‌کنند (هی و جتر^۸، ۲۰۱۱). اما در صورتی که سازوکارهای درونی بازار نتواند منجر به عرضه و تقاضای خدمات حسابرسی باکیفیت و قیمت مناسب شود، ممکن است نیاز به دخالت در بازار احساس شود مانند اجباری کردن افشای عمومی حق‌الزحمه حسابرسی در برخی کشورها مانند آمریکا (فرنسیس و ونگ^۹، ۲۰۰۵) و چین (سو و وو^{۱۰}، ۲۰۱۷).

در ایران نیز جامعه حسابداران رسمی ایران از طریق الزامی کردن آیین‌نامه تعیین حق‌الزحمه پایه خدمات حسابرسی در دی‌ماه ۱۳۹۴، در بازار دخالت کرده است. این آیین‌نامه مقرر می‌کند که مؤسسه‌های حسابرسی باید حداقل حق‌الزحمه

-
1. Balsam, Krishna & Yang
 2. Francis
 3. DeAngelo
 4. DeFond & Zhang
 5. Bierstaker & Wright
 6. Simunic
 7. Hay, Kenchel & Wong
 8. Hay & Jeter
 9. Wang
 10. Su & Wu

حسابرسی را بر اساس بودجه کار (تعیین ساعات کار بر حسب هر یک از رده‌های شغلی) و ضرب آن در نرخ حق الزحمه‌های ساعتی هر یک از رده‌های شغلی (این نرخ‌های ساعتی سالیانه بروز رسانی می‌شود) و با در نظر گرفتن ۲۰ درصد سربار مؤسسه، تعیین کنند. مهم‌ترین علت دخالت این نهاد خود انتظام و حرفه‌ای در بازار حسابرسی، وقوع پدیده نرخ‌شکنی است (دیلمی‌پور، ۱۳۹۰ و هوانسیان‌فر، ۱۳۸۸) که می‌تواند پیامدهای مخربی بر کیفیت حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی و در نهایت اعتبار حرفه نزد جامعه داشته باشد. در این راستا، امانی و دوانی (۱۳۸۸) بیان می‌کنند که در حال حاضر یکی از موضوعات بحث‌برانگیز حرفه حسابرسی ایران، حق الزحمه‌های پایین مؤسسه‌های حسابرسی خصوصی و نحوه تعیین آن است. همچنین، بزرگ‌اصل (۱۳۸۸) بیان می‌کند یکی از مشکلات عمده حسابرسان بخش خصوصی حق الزحمه پایین به دلیل رقابت بالا بین این مؤسسه‌ها است که می‌تواند بر جذب کارکنان باتجربه و تلاش حسابرسی و در نهایت کیفیت حسابرسی اثرگذار باشد. سرلک، جودکی چگنی و حیدری سورشجانی (۱۳۹۹) در نتایج پژوهش خود یافتند که تخفیف صاحب‌کاران از حسابرسان، تلاش آنها را کاهش و خطای حسابرسی را افزایش می‌دهد.

هرچند هدف جامعه حسابداران رسمی ایران از دخالت آشکار در بازار حسابرسی، جلوگیری از وقوع پدیده نرخ‌شکنی (افزایش سطح حق الزحمه‌های حسابرسی) است، اما اینکه این آیین‌نامه توانسته به هدف از پیش تعیین شده دست یابد، یک سؤال پژوهشی است که هنوز به آن پاسخ داده نشده است. شرایط خاص بازار حسابرسی ایران مانند نبود محرک‌های عرضه و تقاضای خدمات با کیفیت حسابرسی و رقابت شدید، تردیدی جدی ایجاد کرده است که آیا این آیین‌نامه می‌تواند قدرت چانه‌زنی حسابرسان در مذاکرات تعیین حق الزحمه را افزایش دهد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر آزمون نقش آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی است.

در ارتباط با نقش احتمالی این آیین‌نامه بر حق الزحمه حسابرسی، با در نظر گرفتن شرایط خاص بازار حسابرسی ایران، دو سناریو قابل پیش‌بینی است. این دو سناریو بر اساس استدلال قدرت چانه‌زنی حسابرسان در مقابل صاحب‌کاران، بسط یافته‌اند. سناریو اول، سناریو دلخواه جامعه حسابداران رسمی ایران است. این سناریو پیش‌بینی می‌کند که مطابق هدف جامعه حسابداران رسمی، آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی بتواند قدرت چانه‌زنی حسابرسان در مقابل صاحب‌کاران را در مذاکرات تعیین حق الزحمه افزایش دهد. بدین صورت که حسابرسان در مذاکرات حق الزحمه با ارجاع دادن به این آیین‌نامه، افزایش حق الزحمه خود را توجیه می‌کنند و صاحب‌کاران هم ممکن است این توجیه را موجه بدانند. اما سناریو مخالفی هم وجود دارد. این سناریو بیان می‌کند که در بازار حسابرسی ایران که توجیه اصلی حسابرسی، الزام قانونی است، صاحب‌کاران مایل هستند این اجبار قانونی را با حداقل هزینه (حق الزحمه حسابرسی) انجام دهند (هوانسیان‌فر، ۱۳۸۸). در چنین شرایطی که رقابت شدیدی هم بین حسابرسان وجود دارد، هزینه رعایت این آیین‌نامه (از دست‌دادن مشتری) بیش از منافع آن (افزایش حق الزحمه حسابرسی) است. بنابراین، حسابرسان برای از دست‌دادن مشتری ممکن است آیین‌نامه را رعایت نکنند و یا برای پرهیز از تنبیه‌هایی که در آیین‌نامه برای حسابرسان متخلف در نظر گرفته شده، آن را به‌طور شکلی رعایت کنند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر بدون تعیین کردن جهت رابطه، پیش‌بینی می‌کند که آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی بتواند بر تعیین حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد.

پژوهش حاضر می‌تواند از طرق مختلف موجب بسط متون حسابداری شود. در برخی پژوهش‌های داخلی، نقش برخی از متغیرها مانند اهرم‌های بدهی عملیاتی و مالی (ایمنی و دریایی، ۱۳۹۹) و تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر

حق‌الزحمه حسابرسی مورد مطالعه قرار گرفته است (حسنی و برخوردار، ۱۳۹۹). اما، مرور پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور نشان می‌دهد که اثر آیین‌نامه تعیین حق‌الزحمه پایه خدمات حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی مورد بررسی قرار نگرفته است. مضاف بر اینکه شرایط خاص محیطی ایران (مانند بحران اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، عدم فعالیت مؤسسه‌های حسابرسی بین‌المللی، رقابت هم‌زمان حساب‌برسان دولتی و خصوصی و افزایش رقابت پس از آزادسازی بازار حسابرسی)، یک فضای پژوهشی بسیار یکتایی فراهم می‌کند که می‌تواند به فراهم شدن شواهدی منجر گردد که متون حسابداری در این حوزه را پر بار نماید. پژوهش حاضر در شرایط تورمی کشور، ضمن کنترل اثر تورم، از مزایای مدل‌های تفاضلی نوع اول برای بررسی نقش آیین‌نامه حق‌الزحمه حسابرسی، بهره برده است. همچنین، پژوهش حاضر، سعی کرده است که مشکل متغیرهای محذوف هم‌بسته را به حداقل برساند تا نتایج اتکاپذیرتری فراهم نماید. نهایتاً، یافته‌های این پژوهش می‌تواند دستاوردهای جالب و مفیدی برای قانون‌گذاران و نهادهای ناظر مانند جامعه حسابداران رسمی ایران فراهم کند تا از این طریق به میزان اثربخشی آیین‌نامه‌ها و قوانین اعمالی پی برده و در آینده اقدامات مؤثرتری را به کار ببندند.

در ادامه، ابتدا آیین‌نامه تعیین حق‌الزحمه پایه خدمات حسابرسی در ایران مطرح شده است. سپس، مبانی نظری و پیشینه پژوهش به‌طور اجمالی مرور و فرضیه پژوهش تدوین شده است. آنگاه روش پژوهش شامل نمونه پژوهش و مدل پژوهش ارائه شده است. در ادامه یافته‌های پژوهش شامل آماره توصیفی، برازش مدل پژوهش و آزمون‌های حساسیت ارائه شده است. بخش نهایی نیز به نتیجه‌گیری اختصاص داده شده است.

آیین‌نامه تعیین حق‌الزحمه پایه خدمات حسابرسی

یکی از مناقشات اصلی حرفه حسابرسی در حال حاضر، تعیین حداقل نرخ حق‌الزحمه حسابرسی و نرخ‌شکنی برخی از مؤسسه‌ها است. در واقع بهای هر خدمت و کالا، قیمتی است که مصرف‌کنندگان برای استفاده از آن حاضر به پرداخت هستند. اما در عمل این فرمول در کشورهای فاقد اقتصاد رقابتی، کارایی نداشته و قیمت را یا انحصارات یا حداقل مزد معیشتی تعیین می‌کنند (امانی و دوانی، ۱۳۸۸). بر این اساس، وضعیت فوق به این می‌شود منجر که مؤسسه‌های حسابرسی به دلیل عدم دریافت حق‌الزحمه کافی، ناچارند کیفیت خدمات حسابرسی را از طریق کم‌کردن زمان رسیدگی و استفاده از خدمات کارکنان کم‌تجربه، کاهش دهند (بزرگ‌اصل، ۱۳۸۸ و هوانسیان‌فر، ۱۳۸۸). پیامد چنین رفتاری باعث ازدست‌رفتن اعتماد عمومی به حرفه حسابرسی و متوجه کل حرفه خواهد بود.

در پاسخ به این نگرانی‌ها، طبق دستورالعمل پیشنهادی صادره از سوی جامعه حسابداران رسمی ایران و پس از تأیید وزیر وقت امور اقتصاد و دارایی در مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۰، آیین‌نامه تعیین حق‌الزحمه حسابرسی شامل هشت بند به اعضا ابلاغ شد. اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران مکلف هستند که حق‌الزحمه‌های خود را بر اساس آیین‌نامه فوق تعیین نمایند. آیین‌نامه یادشده یک کف حداقلی برای حق‌الزحمه حسابرسی تعیین نموده و افزایش بیش از آن در صورت توافق فی‌مابین با صاحب‌کاران، بلامانع خواهد بود. این آیین‌نامه مقرر می‌دارد که مؤسسه‌های حسابرسی باید حداقل حق‌الزحمه حسابرسی را بر اساس بودجه‌بندی هر کار حسابرسی (تعیین ساعات کار بر اساس رده شغلی مختلف) و از طریق ضرب این ساعات رده‌های شغلی مختلف در نرخ‌های ساعتی مقرر در آیین‌نامه مذکور که هر ساله نیز به‌روزرسانی می‌شود و با اضافه کردن حداقل ۲۰ درصد سربار، تعیین کند. همچنین بند هشت این آیین‌نامه کوتاه، در مورد ضمانت اجرایی این

آیین نامه است. اما اینکه آیین نامه حق الزحمه حسابرسی بتواند در عمل نیز به اهداف از پیش تعیین شده دست یابد، سؤال است که پژوهش حاضر برای اولین بار به آن پاسخ می دهد (مرکز آموزش تحقیقات حسابداری و حسابرسی حرفه ای، ۱۳۹۷).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه چانه زنی^۱ به مطالعه وضعیت های چانه زنی می پردازد. در یک معامله طرفین سعی دارند منافع خود را به حداکثر برسانند. خریدار سعی می کند که کالا و خدمت را به پایین ترین بها خریداری کند و فروشنده سعی دارد که کالا یا خدمت را به بالاترین بها بفروشد. در نهایت نیروهای عرضه و تقاضا موجب می شود که طرفین معامله بر یک قیمت معین توافق نمایند. بنابراین علاوه بر اینکه هر دو انگیزه دارند این معامله صورت بگیرد، دارای منافع متضاد در محدوده قیمت معامله نیز هستند. هر مبادله ای بین دو نفر (دو سازمان) که برای طرفین مبادله سود به همراه داشته باشد ولی منافع آنها روی یکی از اجزای مبادله به نوعی متضاد باشد، معرف یک وضعیت چانه زنی خواهد بود. به طور کلی یک وضعیت چانه زنی، وضعیتی است که دو طرف معامله (دو بازیکن)، انگیزه مشترکی برای همکاری دارند ولی دارای ترجیحات متضادی در مورد اینکه چگونه این همکاری شکل بگیرد هستند. چانه زنی به طور معمول فرایندی زمان بر است که در آن طرفین پیشنهادهایی به یکدیگر می دهند و در مورد پذیرش پیشنهاد همتای خود فکر می کنند (کاسترلا، فرانسویس و واکر^۲، ۲۰۰۴). منافع چانه زنی همانند کیکی است که بین دو طرف معامله تقسیم می شود، به همین دلیل که در مباحث چانه زنی، از عبارت چانه زنی نسبی X در مقابل Y استفاده می شود.

در تعیین حق الزحمه حسابرسی نیز چنین وضعیتی برقرار است. حسابرس و صاحب کار به عنوان طرفین معامله بر روی قیمت (حق الزحمه) خدمات مورد معامله (حسابرسی) توافق خواهند نمود. پژوهش های گذشته نشان می دهد که هرگاه قدرت چانه زنی حسابرسان در مقابل صاحب کاران بالاتر باشد، می توان شاهد افزایش در حق الزحمه حسابرسی بود. به طور مثال، کاسترلا و همکاران (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند زمانی که صاحب کاران کوچک اند و قدرت چانه زنی کمتری دارند، حق الزحمه های حسابرسی زیاد است. کراسول^۳ (۱۹۹۵) به این نتیجه رسید که چنانچه حسابرس متکی به ابزاری باشد که قدرت چانه زنی وی را در مقابل صاحب کار افزایش دهد، می توان انتظار داشت که حق الزحمه حسابرسی روند افزایشی داشته باشد.

برخی از حسابرسان بر اساس استراتژی های به دست آمده از دل بازار، مانند استراتژی تمایز (حسابرسان بزرگ و متخصص صنعت) و برخی نیز به دلیل قدرت بازار، قدرت چانه زنی بالاتری دارند (غوش و لاسگارتن^۴، ۲۰۰۶؛ هی و جتر، ۲۰۱۱ و سو و وو^۵، ۲۰۰۷). به طور مثال، یافته های هی و جتر (۲۰۱۱) نشان می دهد که حسابرسان متخصص صنعت به دلیل اینکه قدرت چانه زنی بالاتری دارند، صرف حق الزحمه حسابرسی دریافت می کنند. فونگ، گل و کریشن^۶ (۲۰۱۲) با تمرکز بر حسابرسان متخصص صنعت در سطح دفاتر شهری، شواهدی فراهم کردند که این حسابرسان، صرف

1. Bargaining Theory
2. Casterella, Francis & Walker
3. Craswell
4. Ghosh & Lustgarten
5. Chen, Su & Wu
6. Fung, Gul & Krishnan

حق‌الزحمه تخصص در صنعت دریافت می‌کنند. اما صاحب‌کاران مؤسسه‌های غیرمتخصص با قدرت چانه‌زنی بالا، تخفیف ناشی از صرفه به مقیاس حسابرسان را دریافت می‌کنند. به‌طور کلی پژوهش‌های مرتبط با استراتژی‌های تمایز نشان می‌دهد که حسابرسان متخصص صنعت، اغلب قدرت چانه‌زنی بالایی دارند و حق‌الزحمه بیشتری را شارژ می‌کنند، هرچند ممکن است این استراتژی در مقابل صاحب‌کاران با قدرت چانه‌زنی بالا، منتج به صرف حق‌الزحمه حسابرسی نشود.

شواهد تجربی موجود مانند چن، سو و وو (۲۰۰۷)، هوانگ، لیو راقاندان و رامال (۲۰۰۷) و لیو، لوبو و یو (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که قدرت بازار نیز می‌تواند برای حسابرسان قدرت چانه‌زنی بیشتر و نهایتاً حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری را به همراه داشته باشد. چن، سو و وو (۲۰۰۷) با بهره‌گیری از ساختار دوگانه بازار حسابرسی در چین، شیوه‌های قیمت‌گذاری پنج مؤسسه بزرگ در بازار حسابرسی اجباری^۳ با رقابت بالا و در بازار حسابرسی مکمل^۴ با رقابت پایین را مقایسه کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که حسابرسان بزرگ صرف حق‌الزحمه حسابرسی را فقط در بازار حسابرسی مکمل با رقابت پایین دریافت می‌کنند و چنین صرف برای این حسابرسان در بازار حسابرسی اجباری با رقابت بالا، وجود ندارد. آنها تفسیر می‌کنند که در بازار حسابرسی چین که ارزش حسابرسی برای سرمایه‌گذاران و مدیران شرکت‌ها ناچیز است، صرف حق‌الزحمه حسابرسان بزرگ به جای شهرت آنها، به موقعیت تسلطشان در بازار ربط دارد. لیو، لوبو و یو (۲۰۲۰) نشان دادند که رابطه منفی بین پاداش کمیته حسابرسی مبتنی بر سهام و حق‌الزحمه حسابرسی زمانی قوی‌تر است که در بازار حسابرسی در سطح دفاتر شهری رقابت بالایی وجود دارد. در ایران نیز مباحث حکایتی ارائه شده توسط دیلمی‌پور (۱۳۸۹) تأکید می‌کند که سازمان حسابرسی به دلیل اینکه اغلب صاحب‌کارانش باید این سازمان را انتخاب کنند و هم حق‌الزحمه حسابرسی را انتقال پول از یک جیب دولت به جیب دیگر می‌دانند، قدرت چانه‌زنی سازمان حسابرسی در تعیین حق‌الزحمه بالاست. این شواهد حکایتی با شواهد توصیفی فراهم شده توسط محمدرضائی و محد صالح و علی (۲۰۱۵) مطابقت دارد. شواهد توصیفی فراهم شده توسط محمدرضائی و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که سطح حق‌الزحمه‌های سازمان حسابرسی حدود ۴۰ درصد بیشتر از مؤسسه‌های حسابرسی خصوصی است.

علاوه بر نقش استراتژی‌های تمایز و قدرت بازار که قدرت چانه‌زنی حسابرسان و نهایتاً حق‌الزحمه حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شواهد تجربی (فرنسیس و ونگ، ۲۰۰۵ و آورهالز، کانگم و ویلکنز^۵، ۲۰۲۰) وجود دارد که دخالت در بازار حسابرسی، مانند اجباری کردن افشای حق‌الزحمه حسابرسی، قدرت چانه‌زنی حسابرسان را کاهش می‌دهد و در نهایت به کاهش حق‌الزحمه حسابرسی منجر می‌شود. سو و وو (۲۰۱۷) در پژوهشی به تغییرات حق‌الزحمه حسابرسی پس از اجباری شدن افشای حق‌الزحمه حسابرسی در بازار بورس و اوراق بهادار کشور چین پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که افشای عمومی حق‌الزحمه حسابرسی، هزینه‌های دسترسی به اطلاعات حق‌الزحمه حسابرسی را برای صاحب‌کاران کاهش می‌دهد که این موضوع منجر به افزایش نسبی قدرت چانه‌زنی صاحب‌کاران در زمان مذاکره حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. در این راستا، آورهالز و همکاران (۲۰۲۰) رابطه بین افشای اجباری حق‌الزحمه حسابرسی و

1. Huang, Liu, Raghunadan & Rama

2. Liu, Lobo & Yu

3. Statutory

4. Supplementary

شرکت‌های چینی با سرمایه‌گذاران خارجی، ملزم به انجام حسابرسی مکمل، علاوه بر حسابرسی اجباری هستند

5. Averhals, Caneghem & Willekens

رقابت بر سر حق الزحمه در بازار حسابرسی شرکت‌های غیرسهامی عام و غیربورسی بلژیک را مطالعه کرده‌اند. آنها پیش‌بینی کرده‌اند که شدت رقابت بر سر حق الزحمه پس از افشای اجباری حق الزحمه حسابرسی بیشتر شود؛ زیرا شفافیت حق الزحمه حسابرسی، به احتمال زیاد قدرت چانه‌زنی صاحب‌کاران یا فشار رقابتی را افزایش می‌دهد. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که صاحب‌کاران با حق الزحمه غیرمعمول مثبت (منفی)، تعدیل رو به پایین (رو به بالای) حق الزحمه حسابرسی را تجربه کرده‌اند. پس از افشای اجباری حق الزحمه حسابرسی، مطابق با پیش‌بینی افزایش رقابت بر سر حق الزحمه، در صورتی که صاحب‌کاران قدرت چانه‌زنی بیشتری داشته باشند یا حسابرسان با فشار رقابتی بالایی روبه‌رو باشند با حق الزحمه‌های غیرمعمول منفی (حق الزحمه‌های پایین) بهتر توانسته‌اند تعدیلات رو به بالای حق الزحمه را کنترل کنند.

در ایران نیز پژوهش‌های تجربی متعددی عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی را مطالعه کرده‌اند (مانند، نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹). همچنین در برخی از این مطالعات به بررسی عوامل مرتبط با حق الزحمه حسابرسی مانند تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره بر حق الزحمه، راهبردهای تجاری کسب‌وکار، سرمایه اجتماعی و سایر عوامل توجه شده است (حسنی و برخوردار، ۱۳۹۹؛ صهبای قرقی، لاری دشت بیاض و فکور ثقیه، ۱۳۹۸؛ مهربان‌پور، جندقی قمی و رجب‌بیگی، ۱۳۹۷). مرور پیشینه پژوهش‌های مرتبط با حق الزحمه حسابرسی در داخل کشور، نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی از دیدگاه قدرت چانه‌زنی به موضوع تعیین حق الزحمه، حداقل در پژوهش‌های تجربی، نپرداخته‌اند. در این راستا، محمدرضائی و فرجی (۱۳۹۸) بحث می‌کنند که در ایران حسابرسان نمی‌توانند از استراتژی‌های تمایز مانند تخصص در صنعت بهره ببرند (در ایران حسابرس متخصص در صنعت قابل تصور نیست)، چرا که محرک‌های طرف تقاضا و عرضه ضعیف است و رقابت بین حسابرسان بالا است، از این‌رو، جست‌وجو برای شواهد تجربی در مورد نقش قدرت چانه‌زنی حسابرسان ایرانی برآمده از دل استراتژی تخصص حسابرس در صنعت، بی‌فایده است. اما در زمینه نقش قدرت بازار حسابرسان و برخی دستورات عمل‌ها (دخالت در بازار) بر حق الزحمه حسابرسی، شواهد تجربی توسط پژوهشگران داخلی فراهم شده است.

کردستانی، رضازاده، کاظمی علومی و عبدی (۱۳۹۷) بیان می‌کنند که وجود تمرکز در بازار حسابرسی، قدرت و اختیار عمل مدیریت صاحب‌کار را در انتخاب مؤسسه‌های حسابرسی کاهش داده و در مقابل، قدرت بازار حسابرسان را افزایش می‌دهد که پیامد این موضوع، افزایش حق الزحمه حسابرسی و کاهش کیفیت حسابرسی خواهد بود. همچنین تمرکز بازار حسابرسی می‌تواند موجب افزایش استقلال حسابرسان، تغییر حق الزحمه حسابرسی و در نهایت تغییر کیفیت حسابرسی شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تمرکز بازار حسابرسی، موجب کاهش حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی می‌شود. در پژوهشی محمدرضائی، محد صالح و احمد^۱ (۲۰۱۸) نقش دستورات عمل رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی را آزمون کردند. یافته‌های آنها نشان داد که حق الزحمه مؤسسه‌های حسابرسی معتمد طبقه اول بورس، بیشتر از مؤسسه‌های حسابرسی معتمد سایر طبقات است در حالی که این مؤسسه‌ها، کیفیت حسابرسی بالاتری در قبال حق الزحمه بیشتر، ارائه ندادند. آن‌ها برای تفسیر چنین نتایجی از تئوری «تمایز بر اساس شهرت (لیبل)» استفاده کرده و نتایج آن‌ها بر خلاف تئوری «تمایز بر اساس کیفیت» است. بنابراین، مرور پیشینه

داخلی، نه تنها نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، از مشکل متغیرهای محذوف هم‌بسته رنج می‌برند و نیز مشکل سوگیری برآمده از دل عدم افشای جداگانه حق الزحمه حسابرسی در یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی، توسط پژوهش‌های داخلی کنترل نشده و نقش آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی الزامی شده توسط جامعه حسابداران رسمی ایران در سال ۱۳۹۴، بر حق الزحمه حسابرسی آزمون نشده است.

فرضیه پژوهش

شواهد نظری و تجربی مرتبط با نظریه قدرت چانه‌زنی که در قسمت‌های قبلی مرور شد، نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی زمانی بالاتر (پایین‌تر) است که قدرت چانه‌زنی حسابرسان (صاحب‌کاران) به دلایل متعددی مانند استراتژی‌های تمایز در بازار یا قدرت بازار، بیشتر از صاحب‌کاران (حسابرسان) باشد (کاسترلا و همکاران، ۲۰۰۴ و هوانگ، چانگ و چپو^۱، ۲۰۱۶). برای پیش‌بینی نقش آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی الزامی شده توسط جامعه حسابداران رسمی ایران، بر حق الزحمه حسابرسی و با در نظر گرفتن شرایط زمینه‌ای بازار حسابرسی ایران مانند نبود محرک‌های قوی برای عرضه و تقاضای حسابرسی با کیفیت و رقابت شدید بین حسابرسان، دو سناریو مخالف و موافق، بسط داده شده است.

سناریو موافق، سناریو مورد دلخواه جامعه حسابداران رسمی است که پیش‌بینی می‌کند این آیین‌نامه بتواند با افزایش قدرت چانه‌زنی حسابرسان در مقابل صاحب‌کاران، مانع وقوع پدیده نرخ‌شکنی و حق الزحمه‌های نازل در بازار حسابرسی ایران شود. به روایت دقیق‌تر، آیین‌نامه مذکور این امکان را برای حسابرسان در مذاکرات تعیین حق الزحمه فراهم می‌کند که بتوانند حق الزحمه را افزایش داده و این افزایش را به الزام آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی نسبت بدهند. به بیان دیگر، در این حالت حسابرس ممکن است در مقابل فشار صاحب‌کار برای کاهش حق الزحمه، مقاومت بیشتری به خرج دهد و در مقابل نیز ممکن است قدرت چانه‌زنی صاحب‌کاران هم تحت تأثیر قرار گیرد. به بیانی دیگر، صاحب‌کاران نیز در چنین شرایطی با افزایش حق الزحمه حسابرسان راحت‌تر کنار می‌آیند چرا که این افزایش را نه از بابت زیاده‌خواهی حسابرس برای سود بیشتر خود، بلکه به الزام آیین‌نامه مذکور نسبت می‌دهند. همچنین، صاحب‌کاران، ممکن است چنین برداشتی داشته باشند که در صورت تغییر حسابرس نیز ممکن است از تخفیف حق الزحمه کافی برخوردار نشوند، چرا که حسابرس جایگزین نیز ممکن است به دلیل آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی، نتواند تخفیفی ارائه دهد؛ در نتیجه، سناریو اول پیش‌بینی می‌کند که حق الزحمه حسابرسی پس از اجرایی شدن آیین‌نامه حق الزحمه حسابرسی، افزایش یابد.

اما سناریو مخالف بیان می‌کند که قدرت چانه‌زنی عاملی است که همیشه در اختیار حسابرسان نیست و خود تحت تأثیر عوامل محیطی و سایر عواملی است که در اختیار هر یک از طرفین معامله می‌باشد و گاهی اوقات قدرت چانه‌زنی صاحب‌کاران به دلایلی بالاتر از حسابرسان است. در شرایط فعلی بازار حسابرسی ایران به دلیل عدم اشباع بازار موجود توسط صاحب‌کاران، کوچک بودن بخش عمده‌ای از مؤسسه‌های حسابرسی، ناآشنایی کامل بازار با کیفیت خدمات حسابرسی و احساس صاحب‌کاران مبنی بر وابسته بودن حسابرسان به آنان، قدرت چانه‌زنی آنها بالاست و علاوه بر تعدیل حق الزحمه به حداقل ممکن، توان تعویض حسابرسان را نیز به راحتی دارا هستند (هوانسیان‌فر، ۱۳۸۸ و نادریان،

۱۳۹۳). همچنین به دلیل عدم وجود تقاضا برای حسابرسی با کیفیت (محمدرضائی و همکاران، ۲۰۱۸) و همچنین ریسک دادخواهی پایین برای حسابرسان در کشور (محمودی، ۱۳۸۹)، حق الزحمه حسابرسی پایین است. در فضای بازار حسابرسی ایران، به نظر می‌رسد حسابرسان بخش خصوصی نتوانند از آیین نامه تعیین حق الزحمه حسابرسی به‌عنوان ابزاری جهت افزایش قدرت چانه‌زنی خود استفاده کنند چرا که در ایران مهم‌ترین عامل برای پذیرش حسابرسی از دیدگاه صاحب کاران، اجبار قانونی و نه الزاماً توجیه اقتصادی برای کاهش ریسک اطلاعات مالی است. وقتی اجبار قانونی مهم‌ترین توجیه است در نتیجه صاحب کاران تمایل دارند این اجبار را با تحمل کمترین هزینه (حق الزحمه حسابرسی پایین) به سرانجام برسانند (محمدرضائی و فرجی، ۱۳۹۸ و هوانسیان فر، ۱۳۸۸). بنابراین، در چنین شرایطی پیش‌بینی می‌شود که هزینه‌های رعایت این آیین نامه (از دست دادن مشتری) بیش از منافع آن (افزایش حق الزحمه) باشد. بدین ترتیب، در بازار رقابتی ایران، حسابرسان یا این آیین نامه را رعایت نخواهند کرد یا به‌منظور پرهیز از تنبیهات گنجانده شده در این آیین نامه، به‌طور شکلی آن را رعایت خواهند کرد که در نهایت به افزایش حق الزحمه حسابرسی پس از الزامی شدن این آیین نامه منجر نخواهد شد. با توجه به دو سناریو مخالف، فرضیه پژوهش بدون جهت تدوین شده است:

فرضیه: میان تدوین آیین نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

گردآوری داده‌ها

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران است. دوره زمانی پژوهش بین سال‌های ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۷ می‌باشد. با توجه به تصویب و ابلاغ آیین نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی در اواخر سال ۱۳۹۴، دوره زمانی پژوهش چهار سال قبل از ابلاغ آیین نامه مزبور (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴) و سه سال بعد از آن (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷) می‌باشد. با توجه به اینکه آیین نامه حق الزحمه حسابرسی، در اواخر دی‌ماه سال ۱۳۹۴، ابلاغ شده و رویه غالب در تعیین حق الزحمه این است که حق الزحمه حسابرسی را قبل از شروع کار، تعیین می‌کنند؛ بنابراین، احتمال اینکه حق الزحمه‌های حسابرسی سال ۱۳۹۴ تحت تأثیر این آیین نامه قرار گرفته باشد، ضعیف است؛ از این رو سال ۱۳۹۴، به‌عنوان سال خنثی در نظر گرفته نشد. فرایند انتخاب نمونه در جدول ۱ آورده شده است. طبق این جدول، در نهایت ۱۰۴۶ سال-شرکت مشاهده جمع‌آوری شده از گزارش‌های مالی سالیانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران مورد آزمون قرار گرفته‌اند. همچنین شایان ذکر است که حدود ۵۰ درصد شرکت‌های بورسی و فرابورسی اقدام به افشای حق الزحمه حسابرسی به‌طور جداگانه در یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی خود می‌کنند (ایمنی و دریایی، ۱۳۹۹). به‌علاوه قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی توسط سازمان حسابرسی در ارتباط با حسابرسی شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی، حالت شبه انحصاری دارد و از آیین نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی تبعیت نمی‌کند؛ در حالی که قیمت‌گذاری مؤسسه‌های حسابرسی خصوصی در بازار رقابتی می‌تواند تفاوت‌های عمده‌ای داشته باشد (محمدرضائی و فرجی، ۱۳۹۸).

جدول ۱. غربالگری داده‌های پژوهش

شرح	تعداد مشاهدات (سال - شرکت)
مشاهدات اولیه در دسترس کل شرکت‌ها	۳۲۴۳
کسر می‌شود: مشاهدات بدون افشای جداگانه مبلغ حق‌الزحمه حسابرسی	۱۵۹۱
مشاهدات با حق‌الزحمه حسابرسی افشاء شده در دسترس	۱۶۵۲
کسر می‌شود: مشاهدات حسابرسی توسط سازمان حسابرسی	۳۳۱
کسر می‌شود: مشاهدات مربوط به صنعت مالی، بانک و بیمه	۱۷۸
کسر می‌شود: مشاهدات خارج شده از بورس	۱۰۷
تعداد مشاهدات باقی‌مانده پس از غربالگری	۱۰۴۶

مدل پژوهش

مدل اصلی پژوهش بر اساس پژوهش‌های قبلی غوش و لاسگارتن (۲۰۰۶)، هوانگ راقاندان و راما (۲۰۰۹) و محمدرضائی و محد صالح (۲۰۱۷) و با در نظر گرفتن شرایط محیطی ایران، به شرح زیر توسعه داده شده است:

$$\begin{aligned} \Delta Aud\ fee_{it} &= \beta_0 + \beta_1 AudFeeRegulation_{it} + \beta_2 switch_{it} + \beta_3 NQual - to - Qual_{it} \\ &+ \beta_4 Qual - to - NQual_{it} + \beta_5 \Delta Assets_{it} + \beta_6 \Delta Lev_{it} + \beta_7 \Delta InvRec_{it} \\ &+ \beta_8 \Delta Liq_{it} + \beta_9 \Delta ROA_{it} + \beta_{10} Loss - to - Nloss_{it} \\ &+ \beta_{11} NLoss - to - loss_{it} + \beta_{12} NSub - to - Sub_{it} \\ &+ \beta_{13} Sub - to - NSub_{it} + \beta_{14} St \& SemiOwn_{it} + \beta_{15} TSE_{it} \\ &+ \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k YearDum + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

مدل بالا، یک مدل تفاضلی نوع اول^۱ فقط تغییرات در حق‌الزحمه و عوامل مؤثر بر آنها را می‌سنجد. از مزایای استفاده از مدل تفاضلی نوع اول در مقایسه با رگرسیون مقطعی این است که این مدل به‌طور مستقیم تغییرات موقتی حق‌الزحمه حسابرسی را محاسبه می‌نماید و نتایج حاصل از به‌کارگیری آن نسبت رگرسیون مقطعی می‌تواند قابل‌اتکاتر باشد (غوش و لاسگارتن، ۲۰۰۶). مدل‌های تفاضلی نوع اول زمانی که متغیر مستقل از نوع تغییر است مانند تغییر قواعد قیمت‌گذاری حق‌الزحمه حسابرسی بر اساس آیین‌نامه حق‌الزحمه حسابرسی سال ۱۳۹۴، می‌تواند نتایج قابل‌اتکاتری فراهم کند؛ چرا که این مدل‌ها اثر تغییرات در متغیرهای گنجانده شده در مدل را برای هر یک از شرکت‌های مورد آزمون به‌طور جداگانه کنترل می‌کند و تحت تأثیر اثر ویژگی‌های سایر مقاطع (شرکت‌ها)، قرار نمی‌گیرد. در قسمت آزمون‌های حساسیت، فرضیه پژوهش با استفاده از مدل رگرسیونی در سطح حق‌الزحمه حسابرسی نیز آزمون شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

$\Delta Aud\ fee_{it}$: درصد تغییر در حق‌الزحمه حسابرسی شرکت i در سال t نسبت به حق‌الزحمه حسابرسی شرکت i در سال $t-1$.

برای محاسبه تغییرات حق الزحمه حسابرسی با توجه به تورم فزاینده در کشور و اجتناب از یافتن نتایج و روابط کاذب، اثر تورم در کشور (بر اساس نرخ تورم رسمی بانک مرکزی) به دو روش از تغییرات در حق الزحمه حسابرسی، خنثی شد؛ سپس هریک از نتایج به دست آمده از مدل های زیر به طور جداگانه وارد مدل رگرسیونی اصلی شد و تجزیه و تحلیل شدند.

الف) تعدیل تورم سالیانه^۱

اثر تورم سال جاری بر تغییرات حق الزحمه حسابرسی سال جاری از طریق روش زیر خنثی شد و در مدل اصلی قرار گرفت.

$$\text{مدل (۱)} \quad \text{حق الزحمه سال قبل} / \text{حق الزحمه سال قبل} - \left(\frac{\text{حق الزحمه سال جاری}}{\text{تورم سال جاری} + ۱} \right)$$

ب) تعدیل نرخ رشد چهار ساله

اثر میانگین موزون نرخ رشد حق الزحمه حسابرسی در چهار سال پیش از تدوین آیین نامه را بر تغییرات حق الزحمه حسابرسی به سال جاری به شیوه زیر خنثی و در مدل اصلی قرار داده شده است.

$$\text{مدل (۲)} \quad \text{حق الزحمه سال قبل} / \left(\frac{\text{حق الزحمه جاری سال}}{\text{میانگین موزون نرخ رشد حق الزحمه ۴ سال قبل از تدوین آیین نامه} + ۱} \right)$$

متغیر مستقل

AudFeeRegulation: آیین نامه تعیین حق الزحمه حسابرسی، متغیر ساختگی برای سال های بعد از ابلاغ آیین نامه تعیین حق الزحمه حسابرسی (۱۳۹۵ لغایت ۱۳۹۷) برابر یک و برای سال های قبل از آن (۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۴) برابر صفر است.

متغیرهای کنترلی

Switch: به عنوان متغیر ساختگی برای بررسی اثر تغییر حسابرس، اگر حسابرس شرکت در سال جاری نسبت به سال قبل تغییر نموده باشد عدد یک و در غیر این صورت مقدار صفر می گیرد.

Nqual-to-Qual: یک متغیر ساختگی که مقدار آن یک است اگر گزارش حسابرسی سال جاری مقبول باشد ولی سال قبل غیرمقبول و در غیر این صورت صفر.

Qual-to-Nqual: یک متغیر ساختگی که مقدار آن یک است اگر گزارش حسابرسی سال جاری غیرمقبول باشد ولی سال قبل مقبول و در غیر این صورت صفر.

Assets: اندازه صاحب کار با در نظر گرفتن جمع کل دارایی های در پایان سال مالی لحاظ شده است.

Lev: اهرم مالی، از طریق محاسبه کل بدهی ها در پایان دوره تقسیم بر ارزش دفتری جمع دارایی ها در پایان دوره به دست می آید.

۱. راه کار دیگر به کار گرفته شده برای تعدیل تورم، تعدیل شاخص قیمت بود. با توجه به اینکه نتایج آزمون های آماری آن با روش تعدیل تورم سالیانه تفاوت چندانی نداشت؛ لذا به منظور اجتناب از ارائه اطلاعات اضافی، نتایج مزبور گزارش نگردید.

InvRec: این نسبت از تقسیم جمع موجودی‌ها و دریافتنی‌ها به جمع دارایی‌ها در پایان دوره حاصل می‌گردد.

Liq: برای محاسبه این نسبت جمع کل دارایی‌های جاری تقسیم بر جمع بدهی‌های جاری در پایان سال می‌شود.

ROA: برای محاسبه نسبت بازده دارایی‌ها، سود خالص تقسیم بر جمع دارایی‌های پایان دوره می‌شود.

Loss-to-NLoss: یک متغیر ساختگی که مقدار آن یک است اگر صاحب‌کار برای سال مالی قبل زیان و سال جاری سود گزارش نموده باشد.

NLoss-to-Loss: یک متغیر ساختگی که مقدار آن یک است اگر صاحب‌کار برای سال مالی قبل سود و سال جاری زیان گزارش نموده باشد و در غیر این صورت صفر.

NSub-to-Sub: یک متغیر ساختگی که مقدار آن یک است اگر صاحب‌کار برای سال مالی قبل فاقد شرکت فرعی و سال جاری دارای شرکت فرعی باشد و در غیر این صورت صفر.

Sub-to-NSub: یک متغیر ساختگی که مقدار آن یک است اگر صاحب‌کار برای سال مالی قبل دارای شرکت فرعی و سال جاری فاقد شرکت فرعی باشد و در غیر این صورت صفر.

St & SemiOwn: اگر بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت متعلق به سهام‌داران خصوصی (عمدتاً اشخاص حقیقی) باشد به آن صفر تعلق می‌گیرد و در غیر این صورت صاحب‌کار دولتی و شبه‌دولتی تلقی می‌گردد و برای آن یک لحاظ می‌شود.^۱

TSE: متغیر ساختگی مساوی یک، اگر صاحب‌کار جزو شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشد و اگر جزو شرکت‌های پذیرفته شده در فرابورس ایران باشد صفر.

Industry Dum: برای کنترل اثر صنعت به تعداد صنایع مشاهدات در نمونه، متغیر ساختگی به مدل اضافه می‌شود. به این صورت که برای صنعت اول متغیر Industry1 با دو ارزش یک، در صنعت اول و ارزش صفر در سایر صنایع تعریف می‌شود و برای صنعت دوم تا آخرین صنعت این رویه ادامه می‌یابد.

Year Dum: برای کنترل اثر تغییرات در طول زمان به تعداد سال‌های پژوهش متغیر ساختگی به مدل اضافه می‌شود. به این صورت که برای سال اول متغیر Year1 با دو ارزش یک، در سال اول و ارزش صفر در سایر سال‌ها تعریف می‌شود و برای سال دوم تا آخرین سال پژوهش این رویه ادامه می‌یابد.

درصد تغییر (Δ): برای تمامی متغیرهایی که در مدل به صورت تغییر نسبت به سال قبل (Δ) می‌باشند. به صورت درصدی و از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شوند.

$$\Delta = \left(\text{مقادیر سال قبل} - \text{مقادیر سال جاری} \right) \div \text{مقادیر سال قبل}$$

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی

جدول ۲ آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش مرتبط با مدل اصلی را نشان می‌دهد. جدول مذکور نشان می‌دهد میانگین

۱. شایان ذکر است که گاهی برای پیگیری این که سهام‌دار حقوقی هر یک از مشاهدات، دارای ریشه دولتی یا شبه‌دولتی است، چندین لایه سهام‌داری (تا جایی که اطلاعات در دسترس بود) بررسی شده است.

درصد تغييرات حق الزحمه حسابرسي نسبت به سال قبل پس از تعديل تورم ساليانه و تعديل ميانگين نرخ رشد چهار سال، به ترتيب عبارت است از ۰/۲۴ و ۰/۰۵. چنين آماره‌هايي با آماره‌هاي توصيفي پژوهش محمدرضائي و محد صالح (۲۰۱۷) که نشان مي‌دهد ميانگين تغييرات حق الزحمه حسابرسي نسبت به سال قبل ۰/۲۹ است، مطابقت دارد. همچنين ميانگين لگاريتم طبيعي حق الزحمه حسابرسي برابر است با ۶/۴۲ که قابل مقايسه با پژوهش‌هاي قبلي مانند صهباي قرقسي، لاري دشت بياض و فکور ثقيه (۱۳۹۸) است. آماره‌هاي توصيفي مرتبط با درصد تغييرات متغيرهاي کنترلي گزارش شده در جدول ۲ با آماره‌هاي توصيفي پژوهش محمدرضائي و محد صالح (۲۰۱۷) قابل مقايسه است.

جدول ۲. آماره‌هاي توصيفي متغيرهاي پژوهش

پنل متغيرهاي پيوسته						
متغير	نماد	ميانگين	ميانه	بيشينه	کمينه	انحراف معيار
درصد تغيير حق الزحمه - تعديل تورم ساليانه	Δ Audfee	۰/۲۴	۰/۰۸	۲/۴۶	-۰/۲۲	۰/۴۷
درصد تغيير حق الزحمه - تعديل ميانگين نرخ رشد حق الزحمه ۴ سال	Δ Audfee	۰/۰۵	۰/۰۱	۱/۷۹	-۰/۷۴	۰/۳۹
لگاريتم طبيعي حق الزحمه حسابرسي	LogAudFee	۶/۴۲	۶/۴۱	۸/۰۸	۴/۶۹	۰/۷۷
حق الزحمه حسابرسي (ميليون ريال)	Fee	۸۱۴	۶۰۸	۲۹۳۹	۱۰۹	۶۳۹
درصد تغييرات جمع دارايي‌ها	Δ Assets	۰/۲۱	۰/۱۳	۱/۳۶	-۰/۲۴	۰/۳۲
درصد تغييرات اهرم مالي	Δ Lev	۰/۰۴	۰/۰۱	۱/۲۸	-۰/۶۰	۰/۳۳
درصد تغييرات نسبت جمع موجودي‌ها و دريافتي‌ها به جمع کل دارايي‌ها	Δ Inv Rec	۰/۱۰	۰/۰۱	۲/۱۴	-۰/۷۰	۰/۴۹
درصد تغيير نسبت نقدينگي	Δ Liq	۰/۱۰	۰/۰۱	۲/۱۵	-۰/۷۱	۰/۵۱
درصد تغيير نسبت بازده دارايي‌ها	Δ ROA	۰/۱۵	-۰/۱۰	۹/۸۴	-۸/۸۶	۲/۵۷
دارايي‌ها	LogAssets	۱۴/۶۴	۱۳/۶۴	۱۶/۹۹	۱۰/۷۳	۱۵/۲۵
اهرم مالي	Lev	۰/۶۰	۰/۵۶	۲/۱۵	۰/۰۵	۰/۳۷
نسبت جمع موجودي‌ها و دريافتي‌ها به جمع کل دارايي‌ها	Inv Rec	۰/۴۸	۰/۴۹	۰/۹۱	۰/۰۲	۰/۲۴
نسبت نقدينگي	Liq	۱/۸۷	۱/۳۰	۲/۹۷	۰/۱۶	۲/۲۸
نسبت بازده دارايي‌ها	ROA	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۴۶	-۰/۳۰	۰/۱۵

پنل متغيرهاي گسسته

متغير	فراواني	درصد	متغير	فراواني	درصد
تغيير حسابرسي	۲۹۲	۲۷/۹۲	تغيير از عدم شرکت فرعي به شرکت فرعي	۲۵	۲/۳۹
تغيير گزارش از مقبول به غيرمقبول	۸۷	۸/۳۲	تغيير از شرکت فرعي به عدم شرکت فرعي	۲۳	۲/۱۹
تغيير گزارش از غيرمقبول به مقبول	۸۲	۷/۸۴	مالکيت دولتي و شبه دولتي	۶۷۴	۶۴/۴۴
تغيير از زيان به سود	۵۰	۴/۷۸	شرکت‌هاي بورسي	۶۰۷	۵۸/۰۴
تغيير از سود به زيان	۷۱	۶/۷۹			

آزمون پارامتری و ناپارامتری

تحلیل پارامتری و ناپارامتری را زمانی می‌توان انجام داد که بتوان نمونه را حداقل به دو گروه تقسیم کرد. تحلیل پارامتری (تی تست) برای متغیرهای پیوسته و تحلیل ناپارامتری (کای دو) برای متغیرهای گسسته به کار می‌رود. هدف از تحلیل مورد اشاره، ارائه اطلاعات تفصیلی در مورد ویژگی‌های مشاهدات است (گرین، ۲۰۰۲: محمدرضائی، ۱۳۹۷). نتایج آزمون پارامتری (t) آزمون ناپارامتری (χ^2) متغیرهای پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون پارامتری (t) و ناپارامتری (χ^2) برای دوره قبل و دوره اجرای آیین‌نامه حق الزحمه

احتمال آماره	آماره آزمون	نوع آزمون	آیین‌نامه حق الزحمه		نماد	متغیر
			قبل از اجرا (۵۷۳ مشاهده)	بعد از اجرا (۴۷۴ مشاهده)		
۰/۲۴۶۱	-۰/۶۸۷	t	۰/۲۴۹۵	۰/۲۲۹۵	Δ Audfee	درصد تغییر حق الزحمه - تعدیل تورم سالانه
۰/۳۱۶۴	۰/۴۷۸۰	t	۰/۰۳۹۹	۰/۰۵۱۸	Δ Audfee	درصد تغییر حق الزحمه - تعدیل میانگین نرخ رشد حق الزحمه ۴ سال
۰/۰۰۰۵	-۳/۲۹۷	t	۶/۵۰۵۴	۶/۳۴۸۵	LogAudFee	لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی
۰/۰۰۲۲	۲/۸۵۲	t	۰/۱۸۱۹	۰/۲۳۷۳	Δ Assets	درصد تغییرات دارایی‌های صاحب‌کار
۰/۳۲۷۲	-۰/۴۴۷	t	۰/۰۴۱۰	۰/۰۳۱۹	Δ Lev	درصد تغییرات اهرم مالی
۰/۰۵۹۶	۱/۵۵۹	t	۰/۰۷۱۴	۰/۱۱۸۶	Δ Inv Rec	درصد تغییرات نسبت جمع موجودی‌ها و دریافتنی‌ها به جمع کل دارایی‌ها
۰/۴۶۵۴	-۰/۰۸۶	t	۰/۰۹۷۹	۰/۰۹۵۲	Δ Liq	درصد تغییرات نسبت نقدینگی
۰/۰۱۹۱	-۲/۰۷۴	t	۰/۳۲۹۳	-۰/۰۰۳۶	Δ ROA	درصد تغییرات نسبت بازده دارایی‌ها
۰/۷۴۸	۰/۱۰۳	χ^2	۱۳۰	۱۶۲	Switch	تغییر حسابرس
۰/۷۴۹	۰/۱۰۳	χ^2	۳۸	۴۹	Nqual-to-Qual	تغییر گزارش از مقبول به غیرمقبول نسبت به سال قبل
۰/۲۳۳	۱/۴۲۱	χ^2	۳۲	۵۰	Qual-to-Nqual	تغییر گزارش از غیرمقبول به مقبول نسبت به سال قبل
۰/۶۲۹	۰/۲۳۳	χ^2	۲۱	۲۹	Loss-to-NLoss	تغییر از زیان به سود نسبت به سال قبل
۰/۵۹۱	۰/۲۸۸	χ^2	۳۰	۴۱	NLoss-to-Loss	تغییر از سود به زیان نسبت به سال قبل
۰/۵۲۸	۰/۳۹۸	χ^2	۱۴	۱۳	NSub-to-Sub	تغییر از عدم شرکت فرعی به دارابودن شرکت فرعی نسبت به سال قبل
۰/۱۱۴	۲/۴۹۳	χ^2	۱۱	۱۳	Sub-to-NSub	تغییر از دارابودن شرکت فرعی به عدم شرکت فرعی نسبت به سال قبل
۰/۴۷۰	۰/۵۲۳	χ^2	۳۱۱	۳۶۳	St & SemiOwn	مالکیت دولتی و شبه‌دولتی
۰/۰۵۸	۳/۵۹۵	χ^2	۲۶۰	۳۴۷	TSE	شرکت‌های بورسی

همان طور که این جدول نشان می‌دهد، میانگین درصد تغییرات حق الزحمه حسابرسی نسبت به سال قبل پس از تعدیل با هر دو رویکرد (تورم سالیانه و میانگین نرخ رشد چهار سال قبل)، در دوران اجرای آیین نامه حق الزحمه حسابرسی و زمان قبل از اجرای آن، تفاوت معناداری ندارد. چنین تجزیه و تحلیلی، شواهدی فراهم می‌کند که با سناریو دوم، یعنی عدم تاثیر آیین نامه مذکور بر حق الزحمه حسابرسی، مطابقت دارد. به علاوه، آماره‌های ارائه شده در جدول ۳ نشان می‌دهد که لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی در دوره پس از اجرای آیین نامه حق الزحمه حسابرسی، افزایش یافته است. هر چند این آماره به ظاهر مخالف آماره‌های ما براساس درصد تغییرات حق الزحمه است، اما شایان ذکر است که چنین یافته‌ای قابل پیش بینی است، چرا که به دلیل تورم در کشور، حسابرسان حق الزحمه خود را به طور سالیانه افزایش می‌دهند. نتایج آزمون پارامتری (t) برای سایر متغیرها، نشان می‌دهد که درصد تغییر دارایی‌های صاحب‌کار، در دوران قبل از اجرای آیین نامه حق الزحمه حسابرسی، بیشتر از دوران اجرای آن است. به علاوه، درصد تغییرات نسبت بازده دارایی‌ها، در دوران اجرای آیین نامه حق الزحمه حسابرسی، بیشتر است. همچنین، نتایج آزمون ناپارامتری (χ^2) مطابق انتظار نشان می‌دهد که تعداد مشاهدات مربوط به شرکت‌های فرابورسی در دوره پس از اجرای آیین نامه حق الزحمه حسابرسی، افزایش یافته است، چرا که شرکت‌های فرابورسی با توجه به زمان تاسیس این نهاد، در طی دوره پژوهش به طور مستمر افزایش یافته‌اند.

شایان ذکر است که برای کاهش اثر مشاهدات پرت بر روی نتایج پژوهش، از تکنیک وینزوری استفاده شده است؛ به نحوی که یک درصد کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین داده‌های مربوط به متغیرهای پیوسته با اعداد نزدیک‌ترین مشاهدات به آن داده‌ها، جایگزین گردیده است (گرین، ۲۰۰۲؛ محمدرضائی، ۱۳۹۷). نتایج آزمون همبستگی پیرسون که گزارش نشده است نشان می‌دهد که همبستگی بالایی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. همچنین، شایان ذکر است که ضرایب عامل تورم واریانس برای متغیرهای این پژوهش کمتر از ۵ می‌باشد، بدین ترتیب، مشکل هم خطی بین متغیرهای مستقل حاد نیست.

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

نتایج آزمون فرضیه پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین حق الزحمه حسابرسی و آیین نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه پژوهش تأیید نمی‌شود. در واقع عدم تأیید فرضیه به این معناست که آیین نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی بر خلاف هدف جامعه حسابداران رسمی ایران، به افزایش حق الزحمه حسابرسی منجر نشده است. چنین یافته‌ای از سناریو رعایت شکلی حمایت می‌کند. این سناریو پیش‌بینی می‌کند که در بازار حسابرسی ایران با وجود رقابت شدید بین حسابرسان و در نبود محرک‌های قوی عرضه و تقاضای حسابرسی با کیفیت، هزینه‌های رعایت این آیین نامه (از دست دادن مشتری به خاطر افزایش حق الزحمه) بیشتر از منافع آن (افزایش سطح حق الزحمه‌ها) است که منجر به رعایت شکلی این آیین نامه به منظور پرهیز از تنبیه‌هایی است که برای مؤسسه‌های حسابرسی ناقض آیین نامه، در نظر گرفته شده است. چنین یافته‌ای با شواهد ارائه شده توسط

گیلسون^۱ (۲۰۰۱)، خانا، کوغان و پالپو^۲ (۲۰۰۶) و افشاری‌پور (۲۰۰۹) در مورد همگرایی شکلی به‌جای همگرایی واقعی در حوزه قوانین حاکمیت شرکتی در برخی از کشورها با سیستم قانونی ضعیف (ضمانت اجرایی ضعیف قوانین) مانند هند، مطابقت دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه پژوهش

$$\Delta Aud\ fee_{it} = \beta_0 + \beta_1 AudFeeRegulation_{it} + \beta_2 switch_{it} + \beta_3 NQual - to - Qual_{it} + \beta_4 Qual - to - NQual_{it} + \beta_5 \Delta Assets_{it} + \beta_6 \Delta Lev_{it} + \beta_7 \Delta InvRec_{it} + \beta_8 \Delta Liq_{it} + \beta_9 \Delta ROA_{it} + \beta_{10} Loss - to - Nloss_{it} + \beta_{11} NLoss - to - loss_{it} + \beta_{12} NSub - to - Sub_{it} + \beta_{13} Sub - to - NSub_{it} + \beta_{14} St \& SemiOwn_{it} + \beta_{15} TSE_{it} + \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k YearDum + \varepsilon_{it}$$

مدل ۲		مدل ۱		متغیر
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
۱/۷۵	۰/۰۸۴۴۸*	۴/۳۲	۰/۲۴۹۵***	مقدار ثابت
-۰/۴۲	-۰/۰۱۹۰	-۰/۹۳	-۰/۰۴۶۶	آیین‌نامه حق‌الزحمه حسابرسی
۱/۱۳	۰/۰۳۱۷	۰/۶۹	۰/۰۲۲۶	تغییر حسابرس
۰/۹۱	۰/۰۴۹۳	۰/۷۱	۰/۰۳۹۲	تغییر گزارش از مقبول به غیرمقبول
-۲/۴۱	-۰/۰۹۲۲**	-۰/۸۵	-۰/۰۴۰۲	تغییر گزارش از غیرمقبول به مقبول
۰/۵۶	۰/۰۲۱۵	۱/۹۴	۰/۰۹۴۰*	درصد تغییرات دارایی‌ها
-۰/۵۷	-۰/۰۲۹۹	۱/۲۷	۰/۰۷۱۶	درصد تغییرات اهرم مالی
-۰/۸۷	-۰/۰۲۵۲	-۰/۵۵	-۰/۰۱۸۶	درصد تغییرات نسبت جمع موجودی‌ها و دریافتی‌ها به جمع دارایی‌ها
۰/۸۷	۰/۰۳۴۵	۲/۲۳	۰/۱۰۱۷**	درصد تغییرات نسبت نقدینگی
-۰/۰۴	-۰/۰۰۰۲	۰/۴۲	۰/۰۰۲۵۷	درصد تغییرات نسبت بازده دارایی‌ها
۲/۴	۰/۱۵۶۱**	۱/۷۷	۰/۱۴۰۹*	تغییر از زیان به سود
۱/۹۵	۰/۱۰۳۳*	۱/۹۵	۰/۱۳۸۸*	تغییر از سود به زیان
-۰/۷۶	-۰/۰۶۶۹	۰/۷۵	۰/۱۰۹۲	عدم شرکت فرعی به دارابودن شرکت فرعی
-۰/۶۱	-۰/۰۵۲۵	-۱/۵	-۰/۲۰۰۴	دارابودن شرکت فرعی به عدم شرکت فرعی
-۳/۹۶	-۰/۱۰۵۴***	-۱/۹۶	-۰/۰۶۱۰**	مالکیت دولتی و شبه‌دولتی
-۰/۲۴	-۰/۰۰۶۱	-۲/۷۱	-۰/۰۸۴۰***	شرکت‌های بورسی
کنترل شد.		کنترل شد.		سال و صنعت
۲/۴۲**		۲/۷۶***		آماره F
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		احتمال آماره F
۰/۰۶۲۸		۰/۰۹۵۶		ضریب تعیین

*** معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد؛ * معناداری در سطح ۹۰ درصد

1. Gilson
2. Khanna, Kogan & Palepu

نتایج پژوهش در ارتباط با متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که درصد تغییرات جمع کل دارایی‌های صاحب‌کار، درصد تغییرات نسبت نقدینگی، تغییر از زیان‌ده بودن به سودده شدن و تغییر از سودده بودن به زیان‌ده شدن، رابطه مثبت و معناداری با درصد تغییرات حق الزحمه حسابرسی دارد. همچنین، جدول ۴ نشان می‌دهد که درصد تغییرات حق الزحمه حسابرسی، رابطه منفی با شرکت‌های بورسی و مالکیت دولتی و شبه‌دولتی دارد. نهایتاً، به منظور رفع مشکلات احتمالی مرتبط با ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی، رگرسیون به روش خطای استاندارد اصلاح شده از بابت ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی «خوشه‌بندی شده در سطح شرکت»^۱، اجرا شده است (پترسن^۲، ۲۰۰۹).

آزمون‌های حساسیت

تصریح مدل سطح حق الزحمه حسابرسی

پیش از این درباره مزایای استفاده از مدل‌های تفاضلی نوع اول، به‌ویژه در فضای پژوهشی ایران که تورم بالاست، بحث شد. اما با توجه به اینکه، اغلب پژوهش‌های مرتبط با حق الزحمه، مدل‌های رگرسیونی در سطح حق الزحمه را به کار برده‌اند، به منظور اطمینان از قابلیت‌اتکا بودن نتایج پژوهش بر اساس مدل اصلی، به‌عنوان یک نحوه عمل جایگزین، فرضیه پژوهش بر اساس مدل ۳ آزمون گردید.

بر اساس پژوهش‌های قبلی در این حوزه مانند بلنکلی، هارت و مک‌گریگور^۳ (۲۰۱۲) و سواندگرن و سوانستروم^۴ (۲۰۱۴) و محمدرضائی و همکاران (۲۰۱۸) مدل ۳ به شرح زیر تدوین شده است:

$$\begin{aligned} \text{LogAud Fee}_{it} &= \beta_0 + \beta_1 \text{AudFeeRegulation}_{it} + \beta_2 \text{First Rank Aud}_{it} \\ &+ \beta_3 \text{Aud Chg}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{Lev}_{it} + \beta_6 \text{Inv Rec}_{it} + \beta_7 \text{Loss}_{it} \\ &+ \beta_8 \text{Subs}_{it} + \beta_9 \text{FY End}_{it} + \beta_{10} \text{Age}_{it} + \beta_{11} \text{Con Own}_{it} \\ &+ \beta_{12} \text{St \& SemiOwn}_{it} + \beta_{13} \text{A Turn}_{it} + \beta_{14} \text{Issue}_{it} \\ &+ \beta_{15} \text{Aud Opn}_{it} + \beta_{16} \text{TSE}_{it} \\ &+ \sum \beta_j \text{IndustryDum} + \sum \beta_k \text{InflGrowRate} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{مدل (۳)}$$

متغیر وابسته

LogAudFee: لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی مستقل.

متغیرهای کنترلی

FirstRankAud: متغیر ساختگی مساوی یک، اگر حسابرس مؤسسه حسابرسی خصوصی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار متعلق به طبقه اول باشد، و مؤسسه‌های حسابرسی خصوصی معتمد سایر طبقات صفر.

1. Clustered by Client Firm
2. Petersen
3. Blankley, Hurtt & MacGaregor
4. Sundgren & Svanstrom

FYEnd: یک متغیر ساختگی اگر پایان سال مالی پایان اسفندماه باشد یک و در غیر این صورت صفر.

Age: سن شرکت، لگاریتم طبیعی سن یک شرکت از ابتدای تأسیس.

ConOwn: تمرکز مالکیت، درصدی از سهام شرکت که متعلق به بزرگ‌ترین سهام‌دار شرکت است.

ATurn: گردش دارایی‌ها، نسبت فروش بر جمع دارایی‌ها در پایان سال.

Issue: متغیر ساختگی است که اگر شرکت در سال جاری افزایش سرمایه داشته باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است.

AudOpn: متغیر ساختگی است که اگر اظهارنظر حسابرس غیرمقبول باشد مقدار آن ۱ و در غیر این صورت صفر است.

InflGrowRate: متغیر ساختگی میانگین نرخ تورم و نرخ رشد حق‌الزحمه ۴ سال قبل از ابلاغ آیین‌نامه برای کنترل اثر تورم سالیانه و نرخ رشد بر حق‌الزحمه حسابرسی.

ابتدا میانگین نرخ تورم و نرخ رشد حق‌الزحمه ۴ سال قبل از آیین‌نامه به شرح زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{میانگین موزون نرخ رشد حق‌الزحمه ۴ سال قبل از تدوین آیین‌نامه} + \text{نرخ تورم سالیانه} = \frac{\text{میانگین موزون تورم}}{۲}$$

و سپس در رابطه زیر قرار داده می‌شود.

$$\left(\frac{\text{حق‌الزحمه سال جاری}}{\text{میانگین موزون تورم} + ۱} \right) - \text{حق‌الزحمه سال قبل / حق‌الزحمه سال قبل}$$

سایر متغیرهای کنترلی مشابه مدل اصلی است.

نتایج آزمون فرضیه پژوهش بر اساس مدل ۳ در جدول ۵ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد آیین‌نامه تعیین حق‌الزحمه پایه خدمات حسابرسی رابطه معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی ندارد. بدین ترتیب نتایج آزمون اضافی نیز از نتایج اصلی، پشتیبانی می‌کند. یافته‌های ما بر اساس مدل رگرسیونی سطح حق‌الزحمه حسابرسی، بیانگر آن است که یافته‌های ما به نوع تصریح مدل حق‌الزحمه حسابرسی، حساسیت ندارد.

همچنین نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که قدرت تخمین مدل ۳ مناسب است. در ارتباط با متغیرهای کنترلی نیز نتایج حاکی از آن است که حسابرسان معتمد بورس طبقه اول، اندازه صاحب‌کار، اهرم مالی، نسبت جمع موجودی‌ها و دریافتی‌ها به جمع کل دارایی‌ها، شرکت اصلی بودن (فرعی داشتن)، سن صاحب‌کار، مالکیت دولتی و شبه‌دولتی و شرکت بورسی بودن، رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارند. اما اظهارنظر غیرمقبول حسابرس، رابطه منفی و معناداری با حق‌الزحمه دارد. چنین یافته‌هایی عمدتاً مطابق پژوهش‌های مروری مانند هی، نکل و ونگ (۲۰۰۶) و پژوهش‌های داخلی مانند محمدرضائی، محد صالح و احمد (۲۰۱۸) است.

جدول ۵. یافته‌های آزمون مدل سطح حق الزحمه حسابرسی

$$\text{LogAud Fee}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{AudFeeRegulation}_{it} + \beta_2 \text{First Rank Aud}_{it} + \beta_3 \text{Aud Chg}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{Lev}_{it} + \beta_6 \text{Inv Rec}_{it} + \beta_7 \text{Loss}_{it} + \beta_8 \text{Subs}_{it} + \beta_9 \text{FY End}_{it} + \beta_{10} \text{Age}_{it} + \beta_{11} \text{Con Own}_{it} + \beta_{12} \text{St \& SemiOwn}_{it} + \beta_{13} \text{ATurn}_{it} + \beta_{14} \text{Issue}_{it} + \beta_{15} \text{Aud Opn}_{it} + \beta_{16} \text{TSE}_{it} + \sum \beta_j \text{Industry Dum} + \sum \beta_k \text{InflGrowRate}_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۳		متغیر
آماره t	ضرایب	
۵/۲۲	۱/۲۹۳۱***	مقدار ثابت
-۱/۵۸	-۰/۰۹۲۸	آیین نامه حق الزحمه
۲/۵۷	۰/۰۹۱۵**	حسابرسان معتمد بورس طبقه اول
-۰/۱۸	-۰/۰۰۶۴	تغییر حسابرس
۱۵/۵	۰/۲۵۱۳***	اندازه صاحب کار
۱/۷۵	۰/۱۰۱۴*	اهرم مالی
۵/۵۱	۰/۴۷۶۴***	نسبت جمع موجودی‌ها و دریافتی‌ها به جمع کل دارایی‌ها
-۰/۴۸	-۰/۰۲۵۸	زیان دهی صاحب کار
۲/۶۴	۰/۱۰۲۷***	شرکت اصلی (داشتن شرکت فرعی)
۱/۰۹	۰/۰۴۸۷	پایان سالی مالی صاحب کار
۶/۲۴	۰/۲۰۶۰***	سن صاحب کار
-۱/۳۱	-۰/۱۰۲۸	درصد مالکیت سهامدار عمده
۵/۷۲	۰/۲۲۵۲***	مالکیت دولتی و شبه دولتی
۶/۷۴	۰/۲۴۲۳***	نسبت گردش دارایی‌ها
۱/۴	۰/۰۵۹۷	افزایش سرمایه
-۲/۰۴	-۰/۰۷۸۶**	اظهار نظر حسابرس
۴/۸	۰/۱۹۰۰***	شرکت‌های بورسی
	کنترل شد	متغیرهای ساختگی صنعت
	کنترل شد	متغیرهای ساختگی متوسط نرخ تورم و نرخ رشد حق الزحمه
۵۲/۶۱***		آماره F
۰/۰۰۰۰		سطح معناداری آماره F
۰/۵۵۲۳		ضریب تعیین
۱۰۴۶		تعداد مشاهدات (N)

*** معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد؛ * معناداری در سطح ۹۰ درصد

تعیین حق الزحمه قبل از شروع کار

در ایران حق الزحمه حسابرسی سال جاری قبل از شروع کار حسابرسی طی قرارداد تنظیمی تعیین می‌شود. به بیان دیگر، مبلغ حق الزحمه حسابرسی قبل از شروع کار از طریق چانه‌زنی حسابرس و هیئت‌مدیره و بعضاً هم توسط سهام‌داران در مجمع عمومی سال قبل شرکت صاحب کار، تعیین می‌شود. تعیین حق الزحمه حسابرسی قبل از شروع کار در پژوهش‌های داخلی مانند برادران حسن‌زاده، تلخایی و فجرییگی (۱۳۹۴) نیز برجسته شده است. چنین نحوه عملی در تعیین حق الزحمه حسابرسی، می‌تواند از جنبه نظری به مدل‌های رگرسیونی تنظیم شده توسط این پژوهش که رابطه بین حق الزحمه سال جاری با متغیرهای سال جاری را آزمون می‌کند، خدشه وارد کند. به بیان دیگر، این نگرانی عمده وجود دارد که چون

حق‌الزحمه سال جاری قبل از شروع کار و بر اساس شواهد و مستندات سال قبل تعیین شده است، حق‌الزحمه سال جاری ممکن است با متغیرهای شرکت صاحب‌کار در سال قبل رابطه بیشتری داشته باشد. بدین منظور، در این پژوهش مدل ۳ دوباره اجرا شد، با این تفاوت که حق‌الزحمه سال جاری با متغیرهای توضیح‌گر سال قبل، تخمین زده شده‌اند. نتایج پژوهش که در جدول ۶ آورده شده است بیانگر آن است که ضریب تعیین مدل با برآورد حق‌الزحمه سال جاری با متغیرهای توضیح‌دهنده سال قبل، افزایش چشمگیری نیافته است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که همانند یافته‌های اصلی این پژوهش، اجرایی شدن آیین‌نامه حق‌الزحمه حسابرسی، موجب افزایش سطح حق‌الزحمه‌های حسابرسی نشده است.

جدول ۶. یافته‌های آزمون تعیین حق‌الزحمه قبل از شروع کار

$\text{LogAud Fee}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{AudFeeRegulation}_{it} + \beta_2 \text{First Rank Aud}_{it-1} + \beta_3 \text{Aud Chg}_{it-1} + \beta_4 \text{Size}_{it-1} + \beta_5 \text{Lev}_{it-1} + \beta_6 \text{Inv Rec}_{it-1} + \beta_7 \text{Loss}_{it-1} + \beta_8 \text{Subs}_{it-1} + \beta_9 \text{FY End}_{it-1} + \beta_{10} \text{Age}_{it-1} + \beta_{11} \text{Con Own}_{it-1} + \beta_{12} \text{St \& SemiOwn}_{it-1} + \beta_{13} \text{ATurn}_{it-1} + \beta_{14} \text{Issue}_{it-1} + \beta_{15} \text{Aud Opn}_{it-1} + \beta_{16} \text{TSE}_{it-1} + \sum \beta_j \text{Industry Dum} + \sum \beta_k \text{InflGrowRate} + \varepsilon_{it}$		
مدل ۳ با وقفه یک‌ساله متغیرها		متغیر
آماره t	ضرایب	
۷/۷۲	۲/۲۶۶***	مقدار ثابت
-۲/۳۱	-۰/۱۳۸۵**	آیین‌نامه حق‌الزحمه
۳/۲۱	۰/۱۱۹۵***	حسابرسان معتمد بورس طبقه اول
-۰/۱	-۰/۰۰۳۹	تغییر حسابرس
۱۶/۳	۰/۲۶۶۷***	اندازه صاحب‌کار
۲/۵۱	۰/۱۴۲۷**	اهرم مالی
۵/۲۱	۰/۴۷۱۱***	نسبت جمع موجودی‌ها و دریافتی‌ها
-۱/۸۹	-۰/۱۱۳۴*	زیان‌دهی صاحب‌کار
۳/۰۵	۰/۱۱۹۷***	شرکت مادر
-۰/۸۴	-۰/۰۳۹۶	پایان سالی مالی صاحب‌کار
۳/۹۹	۰/۱۴۰۷***	سن صاحب‌کار
-۰/۳۶	-۰/۰۲۸۳	درصد مالکیت سهام‌دار عمده
۶/۱۶	۰/۲۵۲۷***	مالکیت دولتی و شبه‌دولتی
۶/۰۵	۰/۲۱۲۶***	نسبت گردش دارایی‌ها
-۰/۰۸	-۰/۰۰۳۵	افزایش سرمایه
-۲/۴۶	-۰/۱۰۰۰***	اظهاری نظر حسابرس
۴/۳۹	۰/۱۷۸۴***	شرکت‌های بورسی
بلی		متغیرهای ساختگی صنعت
بلی		متغیرهای ساختگی متوسط نرخ تورم و نرخ رشد حق‌الزحمه
۴۱/۸۹***		آماره F
۰/۰۰۰۰		سطح معناداری آماره F
۰/۶۰۰۱		ضریب تعیین
۹۵۰		تعداد مشاهدات (N)

*** معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد؛ * معناداری در سطح ۹۰ درصد

حق الزحمه های غیر عادی حسابرسی

با توجه به اینکه ممکن است این نگرانی وجود داشته باشد که آیین نامه تعیین حق الزحمه حسابرسی علاوه بر تأثیر بر روی مبلغ حق الزحمه حسابرسی باعث به وجود آمدن حق الزحمه های غیر عادی شود، بنابراین نقش این آیین نامه بر حق الزحمه غیر عادی نیز آزمون شد. ابتدا با برآورد مدل های ۱ و ۳ پژوهش به صورت مقطعی (سال به سال) و با خارج کردن متغیر آیین نامه تعیین حق الزحمه حسابرسی، حق الزحمه های غیر عادی محاسبه شد. سپس، حق الزحمه های غیر عادی جایگزین حق الزحمه حسابرسی در مدل های ۱ و ۳ شد و مدل ها دوباره برآورد شدند. نتایج گزارش نشده حاکی از آن است که بین آیین نامه تعیین حق الزحمه حسابرسی و حق الزحمه های غیر عادی در هیچ یک از مدل های تفاضلی نوع اول (تغییرات حق الزحمه) و سطح حق الزحمه حسابرسی، رابطه معناداری وجود ندارد. چنین یافته هایی در راستای یافته های اصلی این پژوهش است و نشان می دهد که آیین نامه مذکور نقش محسوسی در تغییرات حق الزحمه حسابرسی، بازی نمی کند.

بحث و نتیجه گیری

به دلیل نقش اساسی حق الزحمه حسابرسی بر کیفیت خدمات ارائه شده توسط حسابرسان، پژوهش های زیادی در ارتباط با عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی در سطح ملی و بین المللی انجام شده است. یک جریانی از پژوهش ها، نقش دخالت های نهادهای ناظر و قانون گذار در بازار حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی (مانند آزمون نقش افشای عمومی حق الزحمه حسابرسی بر قدرت چانه زنی حسابرسان و صاحب کاران در مذاکرات حق الزحمه حسابرسی) را مطالعه کرده اند. در ایران نیز جامعه حسابداران رسمی ایران به دلیل وقوع پدیده نرخ شکنی در بازار حسابرسی ایران، اقدام به الزامی کردن آیین نامه تعیین حق الزحمه حسابرسی در اواخر سال ۱۳۹۴ کرده است. با این حال، در خصوص نقش آیین نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی شواهدی وجود ندارد و با وجود اینکه هدف نهایی جامعه حسابداران رسمی ایران از تدوین آیین نامه مورد اشاره، بهبود کیفیت حسابرسی است لیکن شواهدی در زمینه پیامدها و چگونگی تحقق اهداف آن موجود نمی باشد. از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش آیین نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی و پاسخ به این سؤال که آیا با وضع آیین نامه مزبور، حق الزحمه حسابرسی افزایش داشته است یا خیر. یافته های پژوهش نشان می دهد که حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری با آیین نامه حق الزحمه حسابرسی ندارد. به بیان دیگر، آیین نامه مذکور علی رغم پیش بینی جامعه حسابداران رسمی ایران به عنوان محرکی برای افزایش قدرت چانه زنی حسابرسان در مذاکرات تعیین حق الزحمه، منجر به افزایش سطح حق الزحمه حسابرسی نشده است. چنین یافته ای مطابق سناریو رعایت شکلی است. این سناریو پیش بینی می کند که در بازار حسابرسی ایران که محرک های طرف عرضه و تقاضای حسابرسی ضعیف و رقابت بین حسابرسان شدید است، هزینه رعایت واقعی این آیین نامه (از دست دادن مشتری)، بیشتر از منافع آن (افزایش سطح حق الزحمه) است. چرا که در چنین بازاری، صاحب کاران می خواهند حسابرسی الزامی شده را با حداقل هزینه (حق الزحمه پایین) انجام دهند و به دلیل رقابت شدید بین حسابرسان، گزینه های بسیاری برای انتخاب دارند. این سناریو، مطابق پژوهش های مرتبط با همگرایی شکلی با قوانین

الزامی شده حاکمیت شرکتی، پیش‌بینی می‌کند که مؤسسه‌های حسابرسی برای پرهیز از هزینه رعایت واقعی آیین‌نامه تعیین حق‌الزحمه (از دست دادن مشتری) و هزینه عدم رعایت (تنبیه‌هایی که در آیین‌نامه معین شده)، به احتمال زیاد اقدام به رعایت شکلی این آیین‌نامه می‌کنند.

پژوهش حاضر پیشنهادهایی برای مسئولان مربوط دارد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که تدوین یک آیین‌نامه در بازار حسابرسی نامساعدی مانند ایران، به‌تنهایی نمی‌تواند محرک کافی برای عرضه و تقاضای خدمات حسابرسی در سطح قیمتی مناسب را ایجاد کند و نیازمند تغییرات گسترده‌ای است که ممکن است زمان‌بر، هزینه‌بر و خارج از اختیار عمل یک نهاد خود انتظام باشد. همچنین، آیین‌نامه مذکور با وجود این که به‌عنوان دخالتی آشکار در اختیار عمل حساب‌برسان در تعیین حق‌الزحمه محسوب می‌شود، اما با عدم ارائه رهنمود دقیق و شفاف در مورد تعیین بودجه مورد نیاز کارهای حسابرسی، قضاوت در این خصوص را به حساب‌برسان واگذار کرده که به نظر می‌رسد نقطه ضعف آن باشد. نهایتاً، پیشنهاد می‌شود که نهادهای ناظر بازار حسابرسی ایران مانند جامعه حسابداران رسمی ایران و کمیته پذیرش و نظارت بر مؤسسه‌های حسابرسی معتمد بورس، در تدوین و الزامی کردن آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها، شرایط محیطی بازار حسابرسی را به‌دقت در نظر بگیرند تا این اقدامات، اثربخشی لازم را داشته باشد.

پژوهش حاضر پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی دارد. در این پژوهش تنها نقش آیین‌نامه تعیین حق‌الزحمه پایه خدمات حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی آزمون شده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی نقش این آیین‌نامه بر کیفیت حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی را مطالعه کنند. پژوهش‌های آتی می‌توانند تأثیر سایر متغیرها بر حق‌الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار دهند. برای مثال، در دوره‌هایی که شکاف بین رشد قیمت ارز و تورم محاسبه شده توسط بانک مرکزی بالاست، سؤالی که مطرح است این است که آیا حساب‌برسان رشد قیمتی ارز را ملاک افزایش نرخ سالیانه حق‌الزحمه خود قرار می‌دهند یا افزایش تورم را؟ افزون بر این، پژوهش‌های آتی می‌توانند از طریق مطالعه‌ای عمیق (از طریق مصاحبه با شرکای مؤسسه‌های حسابرسی) به این موضوع بپردازند که جامعه حسابداران رسمی ایران و کمیته پذیرش و نظارت بر مؤسسه‌های حسابرسی معتمد بورس، با چه دستورالعمل‌هایی می‌توانند محرک‌های طرف عرضه و تقاضای حسابرسی را در ایران، بهبود بخشند. نهایتاً، پژوهش‌های آتی با استفاده از استدلال "نماد به‌جای محتوا" و "همگرایی شکلی و واقعی" می‌توانند مؤثر بودن دخالت‌های نهادهای قانون‌گذار و ناظر در بازار سرمایه و بازار حسابرسی را مطالعه کنند.

پژوهش حاضر از محدودیت‌های رایج در پژوهش‌های تجربی از این دست، رنج می‌برد؛ بنابراین توصیه می‌شود یافته‌های آن با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که در ادامه ذکر می‌شوند با احتیاط بیشتری تفسیر شوند. با وجود اینکه مدل‌های پژوهشی مورد استفاده تقریباً در یک نمونه متوازن از سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ برآورد شده‌اند، لیکن برخی از داده‌های مورد نیاز در دسترس نبوده‌اند. البته باید توجه داشت این مشکل، ناشی از محدودیتی است که محیط پژوهشی تحمیل کرده است. نتایج ارائه شده بر اساس مشاهداتی است که حق‌الزحمه حسابرسی خود را به‌طور جداگانه در صورت‌های مالی افشا نموده‌اند؛ بدین سبب در تعمیم این نتایج به سایر شرکت‌هایی که حق‌الزحمه خود را افشا نکرده‌اند، احتیاط بیشتر شود، زیرا این احتمال وجود دارد حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های یادشده در مواجهه با آیین‌نامه حق‌الزحمه

رفتار و واکنش دیگری داشته باشند. همچنین حق الزحمه حسابرسی بر اساس اطلاعات مندرج در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی استخراج گردیده است و بعضاً سایر هزینه‌های حسابرسی شامل هزینه‌های مأموریت و اقامت حسابرسان نیز به این مبلغ اضافه می‌شود که اطلاعات لازم برای کنترل چنین عواملی در دسترس پژوهشگران این پژوهش نبوده است. نهایتاً، صحت داده‌های پژوهش مشروط به صحت اطلاعاتی است که در صورت‌های مالی حسابرسی شرکت‌های نمونه پژوهش منتشر شده‌اند.

منابع

- امانی، علی؛ دوانی، غلامحسین (۱۳۸۸). خدمات حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی و رتبه‌بندی حسابرسان. *حسابدار رسمی*، ۸: ۴۱-۳۲.
- ایمنی، محسن؛ دریائی، عباسعلی (۱۳۹۹). حق الزحمه حسابرسی: شواهدی بیشتر از نقش اهرم‌های بدهی عملیاتی و مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۴)، ۴۹۵-۵۲۲.
- برادران حسن زاده، رسول؛ تلخابی، فاطمه؛ فجر بیگی، مهسا (۱۳۹۴). حق الزحمه حسابرسی، مروری بر عوامل موثر بر تعیین حق الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی. *حسابدار رسمی*، ۳۲: ۸۹-۱۰۰.
- بزرگ اصل، موسی (۱۳۸۸). کیفیت و حق الزحمه حسابرسی. *دنیای اقتصاد*، ۲۰۳۱.
- حسینی، محمد؛ برخوردار، حمیده (۱۳۹۹). مطالعه تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و حق الزحمه خدمات حسابرسی: تقابل دیدگاه‌های مبتنی بر عرضه و تقاضا در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۱)، ۳۲-۵۹.
- دیلمی پور، مصطفی (۱۳۹۰). نقدی بر توزیع درآمد بین مؤسسه‌های حسابرسی. *دنیای اقتصاد*، ۲۵۹۸.
- سرلک، نرگس؛ جودکی چگنی، زهرا؛ حیدری سورشجانی، زهرا (۱۳۹۹). رابطه تخفیف حق الزحمه حسابرسی با خطای حسابرسی و کیفیت سود در وضعیت رکود اقتصادی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۳)، ۳۶۰-۳۸۰.
- صهباي قرقی، المیرا؛ لاری دشت بیاض، محمود؛ فکورثقیه، امیرمحمد (۱۳۹۸). گزارش حسابرس و حق الزحمه حسابرسی: نقش راهبردهای کسب و کار. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۴)، ۵۴۳-۵۱۷.
- کردستانی، غلامرضا؛ رضازاده، جواد؛ کاظمی علومی، مهدی؛ عبدی، مصطفی (۱۳۹۷). بررسی تأثیر تمرکز بازار حسابرسی بر حق الزحمه و کیفیت حسابرسی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۰(۲)، ۸۴-۶۵.
- محمدرضائی، فخرالدین (۱۳۹۷). *روش پژوهش در حسابداری* (چاپ دوم). تهران: انتشارات ترمه.
- محمدرضائی، فخرالدین؛ فرجی، امید (۱۳۹۸). معمای سنجش کیفیت حسابرسی در پژوهش‌های آرشیوی: نقد و ارائه پیشنهادات برای محیط پژوهشی ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۱): ۱۲۲-۸۷.
- محمودی، مجتبی (۱۳۸۹). گزارش حسابرسی تداوم فعالیت و دعاوی حقوقی علیه حسابرس. *حسابدار رسمی*، ۱۰: ۷۹-۸۷.
- مرکز آموزش تحقیقات حسابداری و حسابرسی حرفه‌ای (۱۳۹۷). *مجموعه قانون و مقررات جامعه حسابداران رسمی ایران*. تهران: انتشارات جامعه حسابداران رسمی ایران.

مهربان‌پور، محمدرضا؛ جندقی قمی، محمد؛ رجب‌بیگی، محمدعلی (۱۳۹۷). سرمایه اجتماعی و حق الزحمه حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۲)، ۲۶۹-۲۸۸.

نادریان، هوشنگ (۱۳۹۳). تحلیلی بر شرایط حرفه حسابرسی. حسابرس، ۷۰: ۴۲-۴۸.

نیکبخت، محمدرضا؛ تنانی، محسن (۱۳۸۹). آزمون عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۲): ۱۱۱-۱۳۲.

هوانسیان‌فر، گارو (۱۳۸۹). حسابرسی با قیمت‌شکنی ناباورانه. دنیای اقتصاد، ۲۰۴۳.

References

- Afsharipour, A. (2009). Corporate Governance Convergence: Lessons from the Indian Experience. *Northwestern Journal of International Law and Business*, 29(2), 335-402.
- Amani, A., Davani, GH. (2009). The services, Fees and Ranking of Auditors. *IACPA Journal*, 8, 32-41. (in Persian)
- Averhals, L., Caneghem, T.V. and Willekens, M. (2020). Mandatory Audit Fee Disclosure and Price Competition in the Private Client Segment of the Belgian Audit Market. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 40, 1-21.
- Balsam, S., Krishnan, J. and Yang, J.S. (2003). Auditor Industry Specialization and Earnings Quality. *A Journal of Practice and Theory*, 22, 71-97.
- Baradaranhassanzadeh, R., Talkhabi, F. and Fajr Beigi, M. (2015). Audit Fee, A Review of Factors Affecting Audit Fee Determination of Financial Statements. *IACPA Journal*, 32, 89-100. (in Persian)
- Bierstaker, J.L., and Wright, A. (2001). The Effects of Fee Pressure and Partner Pressure on Audit Planning Decision. *Advances in Accounting*, 18, 25-46.
- Blankley, A.I., Hurtt, D.N. and MacGregor, J.E. (2012). Abnormal Audit Fees and Restatements, Auditing. *A Journal of Practice & Theory*, 31, 79-96.
- Bozorgasl, M. (2009). The Audit Quality and Fee. *Donya-e-Eqtesad*, 2031. (in Persian)
- Casterella, J. R., Francis, J. R., & Walker P. L. (2004). Auditor Industry Specialization, Client Bargaining Power, and Audit Pricing, Auditing. *A Journal of Practice & Theory*, 23, 123-140.
- Chen, C.J.P., Su, X., & Wu, X. (2007). Market competitiveness and Big 5 pricing: Evidence from China's binary market. *The International Journal of Accounting*, 42, 1-24.
- Craswell, A. T., Francis, J. R., & Taylor, S. L. (1995). Auditor Brand Name Reputations and Industry Specializations. *Journal of Accounting and Economics*, 20, 297-322.
- DeAngelo, L. (1981). Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3, 183-199.
- DeFond, M., Zhang, J. (2014). A Review of Archival Auditing Research. *Journal of Accounting and Economics*, 58(2-3), 275-326.

- Deilamipour, M. (2011). A Critique for Income Distribution among Auditing firms. *Donya-e-Eqtasad*, 2598. (in Persian)
- Francis, J. R. and Wang, D. (2005). Impact of the Sec's Public Fee Disclosure Requirement on Subsequent Period Fees and Implications for Market Efficiency, *Auditing. A Journal of Practice & Theory*, 24, 145-160.
- Francis, J.R. (2004). What Do We Know About Audit Quality? *The British Accounting Review*, 36, 345-368.
- Fung, S. Y.K., Gul, F. A., and Krishnan, J. (2012). City-Level Auditor Industry Specialization, Economies of Scale and Audit Pricing, *the Accounting Review*, 87, 1281-1307.
- Ghosh, A. and Lustgarten, S. (2006). Pricing of Initial Audit Engagements by Large and Small Audit Firm. *Contemporary Accounting Research*, 23 (2), 333-368.
- Gilson, R. J. (2001). Globalizing Corporate Governance: Convergence in Form or Function, *The American Journal of Comparative Law*, 49, 329-357.
- Green, W. H. (2002). *Econometric analysis*, Prentice Hall, New Jersey.
- Hasani, M and Barkhordari, H. (2020). Investigating the Impact of Institutional Ownership Concentration on the Relationship between Board Independence and Audit Services Fees: Contraposition Supply & Demand Based Perspectives. *Accounting and Auditing Review*, 27(1), 32-59. (in Persian)
- Hay, D. (2012). Further Evidence from Meta-Analysis of Audit Fee Research. *International Journal of Auditing*, 17, 162-176.
- Hay, D. and Jeter, D. (2011). The Pricing of Industry Specialization by Auditors in New Zealand. *Accounting and Business Research*, 41(2), 171-195.
- Hay, D., Knechel, W.R. and Wong, N. (2006). Audit Fees: A Meta-Analysis of the Effect of Supply and Demand Attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23, 141- 191.
- Hovanesianfar, G. (2010). Auditing with Incredible Low-balling. *Donya-e-Eqtasad*, 2043. (in Persian)
- Huang, H. W., Raghunandan, K. and Rama, D.V. (2009). Audit Fees for Initial Audit Engagements Before and After SOX”, *Auditing. A Journal of Practice & Theory*, 28(1), 171-190.
- Huang, T.C., Chang, H. and Chiou, J.R. (2016). Audit Market Concentration, Audit Fees, and Audit Quality: Evidence from China, *Auditing. A Journal of Practice a Theory*, 35, 121-145.
- Huang, H.W., Liu, L.L., Raghunandan, K., and Rama, D.V. (2007). Auditor Industry Specialization, Client Bargaining Power, and Audit Fees: Further Evidence, *Auditing. A Journal of Practice & Theory*, 26, 147-158.
- Imeni, M. & Daryaei, A. (2020). Audit Fees: A Further Evidence of the Role of Financial and Operating Liability Leverage. *Accounting and Auditing Review*, 27(4), 495-522. (in Persian)

- Khanna, T., Kogan, J. and Palepu, K. (2006). Globalization and Similarities in Corporate Governance. A Cross-Country Analysis, *The Review of Economics and Statistics*, 88, 69-90.
- Kordestani, G., Rezazadeh, J., Kazemi Olumi, M. and Abdi, M. (2018). The Investigation of Audit Market Concentration Impact on Audit Fees and Audit Quality. *Financial Accounting Research*, 10(2), 65-84. (in Persian)
- Liu, X., Lobo, G.J. and Yu, H-C. (2020). Is audit committee equity compensation related to audit fees? *Contemporary Accounting Research*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3636429> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3636429>.
- Mahmudi, M. (2010). Goning Conern Audit Report and Litigation against Auditor. *IACPA Journal*, 10, 79-87. (in Persian)
- Mehrabanpour, M., Jandaghi Ghomi, M. and Rajabbeyki M.A. (2018). Social Capital and Audit Fees. *Accounting and Auditing Review*, 25(2), 269-288. (in Persian)
- MohammadRezaei, F. (2018). *Research Method in Accounting (second edition)* Tehran: Termeh. (in Persian)
- MohammadRezaei, F., and Mohd-Saleh, N. (2017). Auditor Switching and Audit Fee Discounting: The Iranian Experience. *Asian Review of Accounting*, 25, 335-360.
- MohammadRezaei, F., Faraji, O. (2018). The Dilemma of Audit Quality Measuring in Archival Studies: Critiques and Suggestions for Iran's Research Setting. *Accounting and Auditing Review*, 26(1), 87-122. (in Persian)
- MohammadRezaei, F., Mohd-Saleh, N. and Ahmed, K. (2018). Audit Firm Ranking, Audit Quality and Audit Fees: Examining Conflicting Price Discrimination Views. *The International Journal of Accounting*, 53, 259-313.
- MohammadRezaei, F., Mohd-Saleh, N. and Ali, M. J. (2015). Increased Competition in an Unfavorable Audit Market Following Audit Privatisation: The Iranian experience. *Asian Journal of Business and Accounting*, 8, 115-149.
- Naderian, H. (2014). An Analysis of the Conditions of the Auditing Profession. *Iranian Auditing Organization (IAO) Journal*, 70, 42-48. (in Persian)
- Nikbakht, M.R. and Tanani, M. (2010). Test of Factors Influencing Financial Audit Fees. *Financial Accounting Research*, 2(2), 111-132. (in Persian)
- Petersen, M.A. (2009). Estimating Standard Errors in Finance Panel Data Sets: Comparing Approaches. *The Review of Financial Studies*, 22, 435-480.
- Sahbay Ghorghi, E., Lari Dashtebayazi, M. and Fakoor Saghih, A. (2019). Auditor Reporting and Audit Fees: The Role of Business Strategies. *Accounting and Auditing Review*, 26(4), 517-543. (in Persian)
- Sarlak, N., Joudaki Chegeni, Z. and Heidari Surshjani, Z. (2020). The Relationship between Audit Fee Discount and Audit Error and Earnings Quality in Times of Recession. *Accounting and Auditing Review*, 27(3), 360-380. (in Persian)
- Simunic, D. (1980). The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence, *Journal of Accounting Research*, 18, 161-190.

- Su, X. and Wu, X. (2017). Public Disclosure of Audit Fees and Bargaining Power between the Client and Auditor: Evidence from China, *The International Journal of Accounting*, 52, 64-76.
- Sundgren, S., & Svanstrom, T. (2014). Auditor-In-Charge Characteristics and Going Concern Reporting. *Contemporary Accounting Research*, 31, 531–550.
- The Center of Training of Professional Auditing and Accounting Research. (2018). The Collection of Laws and Regulations of the Iranian Association of Certified Public Accountants(IACPA). Tehran, *IACPA Publications*. (in Persian)